

پژوهش ویژه

# چک در لایحه تجارت

اکبر پیروفر

طرح روی جلد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز مطالعات و پژوهش‌ها

## اشاره

وجود میلیون‌ها دسته‌چک در دست میلیون‌ها مشتری آموزش‌ندیده، آنهم در فضایی پر از ابهام و نقص و نارسایی قانونی و مقرراتی، نتیجه‌ای نخواهد داشت مگر هزاران مورد کژاندیشی و کژرفتاری و دادخواهی و دادرسی و حکم و زندان و... سرانجام، آشفتگی مناسبات مالی مردم و انباشتن نارضایتی‌های چندوجهی و چندلایه. این بلا چند سالی است که گریبان جامعه خودمان را گرفته است.

قانون تجارت فعلی و بخشی از آن که دربردارنده مقررات حاکم بر چک است، بیش از هفتاد سال پیش تصویب شده، و در این مدت، با این که جامعه چندین بار پوست انداخته، ولی تنها برخی از مواد این قانون وصله و پینه شده، بدون این که به صورتی جامع و هماهنگ بازسازی و بهنگام شود.

اما سرانجام پس از هفتاد سال این عدم تناسب بین جامعه و اندام دیده شد و هیات وزیران در سال ۱۳۸۱ طرح بازنگری در این قانون را به تصویب رساند، و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مسوول هم دست‌به‌کار شدند تا این که در مرداد ۱۳۸۴ لایحه جدید تجارت پس از تصویب هیات وزیران، برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، و اینک در کمیسیون‌های مربوط تحت بررسی قرار دارد. بنابراین، هنوز فرصت هست که صاحب‌نظران مسایل حقوقی - بانکی هم در جریان تدوین و تکمیل این لایحه قرار گیرند و نظریات خودشان را برای اعمال در بخش‌های مختلف آن، به ویژه در بخش‌های مربوط به چک اعلام کنند. این مجموعه هم گامی است در همین راستا و به‌طور خاص در محدوده مقررات مربوط به چک. امیدواریم که این اقدام به‌موقع باشد و مفاد آن به‌ویژه مورد توجه نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی و مدیران و کارشناسان سیستم بانکی قرار گیرد.

محمدحسین دانایی - اسفند ۱۳۸۴

باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر، مشتمل بر سه فصل: دفاتر تجاری - دفتر ثبت تجاری - نام تجاری.

باب سوم - قراردادهای تجاری، مشتمل بر پنج فصل: دلالی - حق العمل کاری - حمل و نقل - قائم مقامی و نمایندگی تجاری - گروه اقتصادی با منافع مشترک.

باب چهارم - ضمانت.

باب پنجم - اسناد تجاری، مشتمل بر چهار فصل: چک - سفته - برات - اسناد تجاری الکترونیکی.

باب ششم - اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری، مشتمل بر فصل اول: اشخاص حقوقی؛ فصل دوم: شرکت‌های تجاری، با ۱۵ مبحث به شرح ذیل: کلیات - شرکت سهامی - نحوه تشکیل شرکت سهامی - سرمایه و سهام - تبدیل سهام - اوراق مشارکت - مجامع عمومی - مدیریت شرکت - بازرس شرکت - تغییرات در سرمایه شرکت - انحلال و تصفیه شرکت سهامی - حساب‌های شرکت - تبدیل شرکت‌ها - شرکت با مسوولیت محدود - شرکت تضامنی؛ فصل سوم: ادغام و تجزیه شرکت‌ها؛ و فصل چهارم: مقررات نهایی (متفرقه).

باب هفتم - بازاری و ورشکستگی، مشتمل بر فصل اول: بازاری؛ فصل دوم: ورشکستگی؛ فصل سوم: مقررات جزایی.

باب هشتم - مقررات تکمیلی.

به موجب ماده ۱۰۲۸ هم مقرراتی که با تصویب این لایحه نسخ می‌شوند، عبارتند از:

- ۱- قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱.
- ۲- لایحه اصلاحی قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۴۷ و تمامی اصلاحات و الحاقات آنها.
- ۳- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، مصوب سال ۱۳۱۸.
- ۴- آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی.
- ۵- آیین‌نامه درآمد صندوق "الف" و "ب"، مصوب سال ۱۳۱۹.
- ۶- نظام‌نامه امور ورشکستگی قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۱۱.
- ۷- قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور، مصوب سال ۱۳۴۳.

- ۸- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، سال ۱۳۷۶.
- ۹- قانون صدور چک و اصلاحات آن.
- ۱۰- قانون ثبت شرکت‌ها و سایر قوانین و مقررات مغایر با این لایحه.

بنابراین، همانطور که اشاره شد، اینک لایحه اصلاح قانون تجارت پس از گذشت ۷۴ سال از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده و سخنگوی وزارت بازرگانی در این مورد گفته است: این مجموعه، علاوه بر پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت، خلاصه‌ای از فرایند و اصول تدوین پیش‌نویس نوآوری‌ها و چارچوب کلی آن در مقایسه با قانون تجارت موجود را شامل می‌شود. ساعدی گفت: در فرایند تدوین این لایحه، چهار طرح پژوهشی شامل کلیات (تجار و تکالیف آنها، قراردادهای تجاری)، اسناد تجاری، حقوق شرکت‌ها، بازاری و ورشکستگی ساماندهی شد و مجریان که از اسناد حقوق تجارت دانشگاه‌های کشور بودند، ضمن دریافت نظریات مزبور، براساس مطالعه‌ای که به انجام رساندند، پیش‌نویس لایحه اصلاحی قانون تجارت را که حدود ۱۱۰۰ ماده بود، طی یک کار پژوهشی تنظیم کردند. لازم به ذکر است که قانون تجارت ایران (مصوب سال ۱۳۱۱) که از

یکی از مسایل مبتلا به جامعه و نظام بانکی کشور، موضوع چک است، موضوعی که مقررات حاکم بر آن، در طول ۷۴ سال گذشته با فرازونشیب‌های زیادی روبرو بوده است، بدین ترتیب که در ابتدای امر، قانون تجارت فعلی مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ را اختصاص به چک داده بود. سپس به مرور زمان و در مقاطع مختلف، مقرراتی درباره صدور چک وضع شده و سلاقی مختلف و بعضاً متضاد در تدوین قوانین به کار رفته است؛ فرضاً روزگاری گفته‌اند: صادرکننده چک‌های سفیدامضا، مشروط، بابت تضمین انجام معامله یا تعهد، بدون تاریخ و یا تقدم تاریخ صدور چک بر تاریخ مندرج در متن چک، قابل تعقیب کیفری نیست؛ زمان دیگر گفته شده: صدور چک به عنوان تضمین یا تامین اعتبار یا مشروط، وعده‌دار یا سفیدامضا، ممنوع است و صادرکننده در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت، به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد؛ بعد از مدتی، وضع به روزگار اول برگشته و گفته‌اند: در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست: چک سفیدامضا، منوط‌بودن وصول وجه چک به تحقق شرط، صدور چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهد، ثبوت این که چک بدون تاریخ صادر شده، و مقدم‌بودن تاریخ واقعی صدور چک بر تاریخ مندرج در متن چک.

بدیهی است که تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان اینگونه مقررات متفاوت، هریک دلایل و توجیهاتی برای کار خود داشته‌اند که ورود به آن از محدوده این نوشته خارج است و در این نوشته تنها مواد مربوط به چک در لایحه جدید تجارت مورد بررسی و تحلیل و تطبیق قرار گرفته و نکات قابل توجه و مهم و قابل ذکر آن از نظر خوانندگان محترم ماهنامه بانک و اقتصاد می‌گذرد.

### در لایحه، چک به عنوان "سند" تعریف شده، در صورتی که قانون تجارت چک را "نوشته" می‌داند، و بدیهی است که به کاربردن اصطلاح "سند" چند مزیت دارد.

#### پیشینه لایحه جدید

اما قبل از آغاز بحث اصلی، نگاهی به پیشینه این لایحه نیز مفید است. لایحه تجارت بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۵ هیات وزیران وقت به تصویب رسیده و طی شماره ۳۳۲۰۱/۲۲۸۵۰۹ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۰ از سوی ریاست جمهوری محترم وقت برای طی تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است و در کمیسیون مشترک هشت نفره مرکب از اعضای کمیسیون‌های اقتصادی، اجتماعی، صنایع و معادن و قضایی مجلس تحت بررسی است.

لایحه مذکور مشتمل بر ۱۰۲۸ ماده می‌باشد. با مطالعه اجمالی که به عمل آمد، این لایحه دارای نوآوری‌ها و تغییرات و اصلاحات اساسی و الحاقاتی می‌باشد و امید است که مرحله اجرایی لایحه پس از تصویب نهایی آن، توأم با موفقیت باشد. مجموع این لایحه به هشت باب تقسیم شده است: باب اول - تجار و معاملات تجاری.

تصویب‌نامه اصلاحی شماره ۱۷۸۷۵/ت/۲۶۷۶۱ ه مورخ ۸۱/۴/۱۹ موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۹۲۵ / ت / ۲۵۵۲۴ ه مورخ ۸۱/۲/۳۱ را به شرح زیر اصلاح نمود: وزارت بازرگانی با همکاری وزارتخانه‌های صنایع و معادن، امور اقتصادی و دارایی، کار و امور اجتماعی، تعاون و دادگستری، تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۸۲ ضمن بازرگانی، اصلاحات لازم را در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ به صورت جداگانه انجام داده و پیشنهاد مربوط را به هیات وزیران ارایه نمایند. در اجرای این بند، کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف به همکاری با وزارت بازرگانی هستند.

اینک محصول این کار جمعی طولانی به صورت لایحه تجارت به مجلس شورای اسلامی رفته است. این لایحه، مقررات چک را به صورت جمع‌بندی و ذیل فصل اول و مواد ۱۷۲ تا ۲۵۰ آورده است تا علاقمندان به دانستن مقررات حاکم بر صدور چک، از مراجعه به مقررات پراکنده بی‌نیاز شوند. بدین ترتیب و در نهایت، مقررات چک همان خواهد بود که در صورت تصویب نهایی - ولو با تغییرات ضروری - در لایحه تجارت آمده است.

### چک، وسیله پرداخت دین است و هیچ قید و شرطی نباید در پرداخت آن راه داشته باشد.

#### تعریف چک

فصل اول باب پنجم - اسناد تجاری - لایحه مربوط به چک می‌باشد. مطابق مفاد ماده ۱۷۲، چک سندی است که به موجب آن، صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می‌کند. در این ماده، دو نکته قابل تذکار وجود دارد:

۱) چک به عنوان "سند" تعریف شده، در صورتی که قانون تجارت چک را "نوشته" می‌داند (ماده ۳۱۰) و به کاربردن کلمه "سند" در این ماده این مزیت را دارد که اولاً، ماده ۲۲۸ لایحه، وصول وجه چک پرداخت‌نشده را از طریق مقررات اجرای اسناد رسمی میسر می‌داند، و ماده ۲ قانون صدور چک فعلی هم چک را در حکم اسناد لازم‌الاجرا دانسته است؛ ثانیاً، موضوع با بخش اسناد قانون مدنی (از ماده ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۵) بی‌ارتباط نمی‌تواند باشد که موضوع از جنبه حقوقی قابل توجه است.

۲) قانون تجارت فعلی (ماده ۳۱۰) دریافت وجه چک یا واگذاری آن به غیر را از وجه موجود نزد محال‌علیه تعریف کرده است، در صورتی که واقعیت اینست که چک عهده حساب جاری موجود نزد بانک صادر می‌شود و در واقع، محال‌علیه "بانک" می‌باشد. بنابراین، ماده ۱۷۲ لایحه مقرون به واقعیت است.

#### شرایط چک

لایحه ضمن ماده ۱۷۳ علاوه بر امضا یا مهر و امضا، شرایطی را در هشت مورد به شرح ذیل برای چک پیش‌بینی کرده است. البته از نظر این ماده، بودن امضا یا مهر و امضا از الزامات صدور چک می‌باشد، یعنی شرط اساسی و اصلی است:

□ قید کلمه چک.

□ دستور بدون قید و شرط و پرداخت مبلغی معین با حروف و عدد.

قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه اقتباس شده، علیرغم گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن و دگرگونی در شرایط اقتصاد جهانی و اوضاع و احوال اجتماعی، با تحولات اجتماعی و تغییر روابط اقتصادی و تجارت هماهنگی ندارد. هاشم ساعدی گفت: پراکندگی بندهای ۱۰ گانه ماده ۲ قانون تجارت، در خصوص اعمال تجارتي، عدم همخوانی بندهای ماده ۳ قانون تجارت با یکدیگر، عدم بیان قواعد ناظر بر خرید و فروش تجارتي و ارجاع به قوانین دیگر و همچنین سکوت قانون تجارت در مورد اهلیت تاجر و شرایط عمومی اشتغال به تجارت و نیز نارسایی از حیث معیار شناسایی تاجر و تعریف تاجر و غیره، از نقایص و کاستی‌های قانون تجارت فعلی است (شماره ۲۳۴۰۷ مورخ ۱۳ مرداد ۱۳۸۴ / روزنامه اطلاعات).

معاون وقت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی نیز در جمع خبرنگاران در این مورد اظهار داشته: پیش‌نویس لایحه قانون تجارت کشور پس از دو سال بررسی کارشناسی در شورای راهبردی زیر نظر تیم وسیعی از اساتید دانشگاه، حقوقدانان و نمایندگان اقتصادی بخش دولتی و خصوصی، تقدیم معاون اول رییس‌جمهوری شد تا در اولین جلسه هیات دولت تصویب شده و به مجلس شورای اسلامی ارایه شود.

به گفته وی، قانون فعلی تجارت کشور که مصوب سال ۱۳۱۱ است، با توجه به پیشرفت‌های علمی و اقتصادی و کاربرد فناوری‌های نوین در تجارت، دارای نقایص فراوانی است. وی گفت: در قانون جدید، فعالیت‌های تجاری بر مبنای اقتصاد نوین طبقه‌بندی شده و با کنوانسیون‌های بین‌المللی سازگاری یافته است. همچنین از تعاریف و مفاهیم به کاررفته در قانون فعلی ابهام‌زدایی شده و فضای تجاری کشور شفاف‌سازی شده است (روزنامه اطلاعات / مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۴).

مقام مذکور در اظهارات دیگری عنوان نموده: در سال‌های اخیر تغییر زیادی در نظام تجاری کشور و فناوری‌های صنعتی رخ داده که بر اصلاح قانون برای انجام فعالیت‌های تجاری تاکید می‌کند. وی گفت: در قانون فعلی، تنها هشت درصد مواد قانونی قبلی ثابت مانده است، در حالی که ۲۱ درصد قوانین به صورت جزئی یا کلی ویرایش شده‌اند، ۳۳ درصد به طور محتوایی تغییر کرده‌اند و ۳۸ درصد قوانین نیز حذف شده‌اند. همچنین ۳۹۳ ماده جدید به قانون تجارت فعلی اضافه شده است.

معاون وزیر بازرگانی افزود: این قانون در ۱۰۲۸ ماده و مشتمل بر ۱۷۰ صفحه مطلب تدوین شده که به لحاظ موخربودن و جامعیت، مرجع قوانین اقتصادی قبلی خواهد شد. به عبارت دیگر، با اجرای قانون جدید تجارت، مفاد زیادی از قوانین اقتصادی قبلی مانند قانون کار، قانون بورس، قانون فعالیت‌های پولی و بانکی، قانون نظام صنفی و... با قانون جدید مطابقت خواهند یافت.

معاون وزیر بازرگانی ادامه داد: در قالب این قانون، فعالیت اقتصادی ۳۳ عنوان سمت شغلی مانند اعضای شورای شهر، اعضای هیات‌مدیره و مدیران عامل بانک‌ها، اعضای هیات‌مدیره و مدیران شرکت‌های دولتی، شهرداران، روسای مناطق شهری، فرمانداران، روسای دانشگاه‌ها، نمایندگان ولی فقیه در ادارات، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه، رییس سازمان صدا و سیما، روسای عقیدتی و سیاسی سازمان‌ها، معاونان و مشاوران بانک مرکزی و... ممنوع خواهد شد (روزنامه اطلاعات / ۲۴ خرداد ۱۳۸۴).

بد نیست این نکته را هم اضافه کنیم که این لایحه یک سابقه قدیمی‌تر هم دارد که به سال ۱۳۸۱ برمی‌گردد. در واقع، در آن سال، هیات وزیران بند ۷

□ نام بانک محال‌علیه.

□ نام صاحب حساب.

□ نشانی محل پرداخت.

□ تاریخ صدور.

□ محل صدور.

□ شماره حساب صادرکننده چک.

در مورد شرایط هشتگانه فوق، موضوعی که بیشتر از موضوعات دیگر اهمیت دارد، بدون قیدوشرط بودن پرداخت وجه چک می‌باشد (آنهم با حروف و عدد) که با این ترتیب، هیچ قیدوشرطی نباید مانع پرداخت وجه چک باشد. به بیان دیگر، چک وسیله پرداخت دین است و هیچ قیدوشرطی نباید در پرداخت آن راه داشته باشد. لازم به یادآوری است که پاراگراف دوم ماده ۳ قانون صدور چک فعلی، بر موضوع ترتیب‌اثرن دادن بانک محال‌علیه به شرط ذکرشده در متن چک برای پرداخت تصریح دارد.

با توجه به این که هر بانکی برای حساب‌های جاری مفتوحه نزد خود، چک چاپ کرده و عرضه می‌نماید، نام بانک محال‌علیه خودبه‌خود در برگ‌های چک چاپ می‌شود و تحصیل حاصل است.

در مورد نام صاحب حساب هم در عین حال که ماده ۶ قانون صدور چک فعلی، بانک‌ها را مکلف کرده که در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند، ولی عملاً این موضوع تا حدی کمرنگ است؛ بعضاً روی برگ چک درج می‌شود و بعضاً صاحب حساب می‌بایست مهر پلاستیکی تهیه کند تا بانک به جای چاپ از آن مهر استفاده نماید.

### قسمت اول ماده ۱۷۵ لایحه، به نحوی تجویز صدور چک وعده‌دار است.

نشانی محل پرداخت نیز مفید دو معنی است: اولاً، محل پرداخت وجه چک، شهرستان محل وقوع شعبه بانک محال‌علیه است. بنابراین، هرگاه دارنده چک بخواهد وجه چک را نقداً از بانک محال‌علیه دریافت کند، طبیعی است که محل پرداخت، شهرستان محل وقوع بانک محال‌علیه خواهد بود و هرگاه هم بخواهد به حساب خود نزد همان شعبه واریز نماید، باز هم همان خواهد بود؛ ثانیاً، ممکن است دارنده چک مقیم شهرستانی باشد و بانک محال‌علیه در شهرستان دیگر واقع شده باشد. حال هرگاه دارنده چک بخواهد وجه چک را به حساب خود نزد بانک محل اقامت خود واریز نماید (چک‌های انتقالی و غیرمتمرکز)، در این صورت، محل پرداخت از نظر دارنده چک، شهرستان محل وقوع شعبه بانک است، اما محل دریافت، شهرستان محل اقامت دارنده چک. به علاوه، به نظر می‌رسد که کلمه "نشانی" با "محل پرداخت" دو معنای جدا از هم دارند: نشانی در عرف جامعه به خیابان - کوچه - شماره پلاک - کد پستی و غیره اطلاق می‌شود، لکن "محل پرداخت" همان خصوصیات را ندارد. بنابراین، قید فقط "محل پرداخت" کافی بوده است، یعنی محلی که شعبه بانک محال‌علیه در آنجا واقع شده است.

بند ۶ ماده ۲۲۳ تجارت فعلی مکان تادیه وجه برات راه اعم از محل اقامت محال‌علیه یا محل دیگر می‌داند. بنابراین، در وضع فعلی هم در اسناد تجاری

نشانی به آن معنایی که فوقاً توضیح داده شد، مطرح نمی‌باشد.

تاریخ و محل صدور و شماره حساب صادرکننده چک در دسته‌چک‌های مورداستفاده حال حاضر هم وجود دارد.

### خروج چک از شمول مقررات راجع به چک

ماده ۱۷۴ لایحه مقرر می‌دارد: در صورتی که چک متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده ۱۷۳ این قانون نباشد، جز در موارد زیر، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. همانطور که ذکر شد، در ماده ۱۷۳، هشت شرط برای چک تعیین شده است و ماده ۱۷۴ هم خواسته است اهمیت بیشتری به شرایط هشتگانه بدهد. در نتیجه، نسبت به عدم رعایت دو شرط اغماض قابل شده است که عدم رعایت آنها، چک را از شمول مقررات چک خارج نمی‌کند:

اولاً اینکه، محل پرداخت چک قید نشده باشد. در این صورت، مکانی که کنار نام بانک محال‌علیه نوشته شده است، محل پرداخت خواهد بود. در غیر اینصورت نیز مرکز اصلی بانک، محل پرداخت محسوب خواهد شد. در اساسنامه هر بانکی مرکز اصلی بانک تعیین و نوشته می‌شود، اما هرگاه منظور از "محل پرداخت" محل شعبه پرداخت‌کننده وجه چک باشد، چون مرکز اصلی، شعبه بانک نیست، بهتر بود که شعبه اصلی و مرکزی هر بانک در شهرستان به عنوان مرکز اصلی بانک محل پرداخت تعیین می‌شد. ضمناً کلمه "نیز" در این ماده زاید به نظر می‌رسد.

ثانیاً، محل صدور چک ذکر نشده باشد که در این صورت، محل تادیه وجه چک، محل صدور محسوب خواهد شد.

ماده ۱۷۴ اشکال دو نقص موجود در چک را رفع کرده، لکن فقدان هریک از شش شرط دیگر صدور چک، به صراحت ماده مذکور، چک را از شمول مقررات چک خارج می‌کند که به تعبیری می‌توان گفت که از جمله مقررات مهم چک، مجازات صدور چک بدون محل و یا وصول وجه آن از طریق اجرای ثبت می‌باشد که مواجهه با اشکال خواهد شد. با این ترتیب، به نظر می‌رسد که در تشریفات تصویب این لایحه که بعد از این تنها مقررات و ضوابط قابل استناد صدور چک خواهد بود، به این مساله دقت و توجه لازم مبذول گردد.

### چک وعده‌دار

ماده ۱۷۵ لایحه چنین است: چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور، موخر بر تاریخ واقعی صدور باشد، اعتبار چک را دارد، با این حال، مسوولان سند از حیث رعایت مهلت ارایه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند. قسمت اول این ماده به نحوی تجویز صدور چک وعده‌دار است، به این ترتیب که صادرکننده در تاریخ امروز که چک صادر می‌کند و چک هم به دستور ماده ۱۷۳ می‌بایست تاریخ صدور داشته باشد، تاریخ موخری را در محل تاریخ صدور چک قید می‌نماید. لایحه این نوع چک را پذیرفته است. اما حکم ماده ۳۱۱ قانون تجارت فعلی اینست که پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد. از نظر ماده ۳۱۳ هم وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود. مجموع این دو ماده، حاکی از عدم تجویز صدور چک وعده‌دار می‌باشد. شایان ذکر است که نابسامانی‌های موجود در مساله چک، بیشتر ناشی از رواج چک‌های وعده‌دار به جای سفته و غیر آن بوده و می‌باشد. در واقع، این امر در عین حال که خلاف قانون تجارت بوده، ولی عملاً وجود داشته، حتی در این اواخر بانک‌ها هم چک‌های وعده‌دار را هم‌ردیف بروات وصولی از

دارندگان چک‌ها پذیرفته و در پرتفوی خود تا تاریخ مندرج در چک نگهداری نموده و سپس در جریان وصول قرار می‌دهند.

لازم به یادآوری است که ماده ۳ مکرر قانون صدور چک فعلی، تصریح بر این دارد که چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک می‌باشد که شاید خود این حکم موجب این بوده که بانک‌ها چک‌های وعده‌دار را بپذیرند و پس از تاریخ مندرج در متن چک (چک‌های وعده‌دار) آنها را در جریان وصول و ایصال قرار دهند. اما ماده ۲۰۱ لایحه مقرر می‌دارد که وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود، هرچند که تاریخ موخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد. با این ترتیب، به مواد ۱۷۵ و ۲۰۱ لایحه دو پیام جدا از هم باید داد: اولی، وجود تفاوت بین دو تاریخ را موثر در خروج چک از مقررات چک نمی‌داند؛ دومی، ارایه چک با تاریخ موخر بانک را قابل پرداخت می‌داند. به نظر می‌رسد که خود این امر می‌تواند مانع تداوم رواج چک‌های وعده‌دار باشد، یعنی صادرکننده وقتی بداند که قید تاریخ موخر در چک تأثیری در پرداخت به وعده نخواهد داشت، بدیهی است که به صدور چک وعده‌دار مبادرت نمی‌ورزد. این ماده نکته مثبتی است که در لایحه منظور شده و منطقاً با واقعیت چک می‌باشد که چک وسیله پرداخت است نه ابزار تعهد. وقتی که ماده ۱۷۲ می‌گوید چک سندی است که به موجب آن صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می‌کند، این دریافت و یا واگذاری حمل به زمان حال است. واگذارکردن به این معنی نیست که امروز چک را بگیرد، ولی وجه آن را دو ماه بعد از بانک دریافت کند. از لحاظ حقوقی هم با صدور چک و واگذاری وجه آن به ثالث (حامل یا شخص معین) وجه چک از مالکیت صاحب حساب و صادرکننده خارج می‌شود. دلیلی هم وجود ندارد که دارنده چک در تاریخ موخری به حق خود برسد.

## انواع چک

ماده ۱۷۶ لایحه، سه نوع چک را پیش‌بینی کرده است که عبارتند از: چک عادی - چک تأییدشده - چک پول. اما آنچه در ماده ۱ قانون صدور چک فعلی پیش‌بینی شده است، عبارتند از: چک عادی - چک تأییدشده - چک تضمین شده - چک مسافرتی.

در لایحه، چک‌های تضمین شده و مسافرتی حذف شده‌اند و چک پول اضافه شده است.

در تعریف چک عادی آمده است: «چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند.» یادآور می‌شود که شرایط این نوع چک همانست که در ماده ۱۷۳ لایحه توضیح داده شده و نیاز به تکرار آن نیست. چک تأییدشده هم چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند و پرداخت آنها توسط بانک محال‌علیه تعهد شده است. این نوع چک در عین حال که در قانون فعلی صدور چک هم پیش‌بینی شده بود، ولی وجود خارجی پیدا نکرد و در نظام بانکی سابق هم وجود نداشت.

یکی از بانکداران ایران در کتاب «بانکداری عملی» به یک نوع چک به نام چک قبولی یا تصدیق شده اشاره کرده و گفته است: چکی است که دارنده حساب آن را به قبولی بانک محال‌علیه رسانده باشد. بانک محال‌علیه در این صورت، حساب مشتری را به مبلغ چک مسدود می‌نماید. در ایران این نوع چک مرسوم نیست. به نظر می‌رسد که منظور از چک تأییدشده مندرج در ماده ۱۷۶ لایحه هم چک

منطبق با تعریف فوق می‌باشد. با این ترتیب «تعهد بانک» که در لایحه آمده، مفهومی نخواهد داشت، زیرا بانک تعهدی ندارد، زیرا وجه چک قبلاً در حساب جاری صادرکننده مسدود شده و دارنده چک هم وجه آن را از بانک دریافت می‌کند. در واقع، این چک هم چک عادی است که با اجرای تشریفات مذکور، به صورت چک مطمئن و دارای محل درمی‌آید. در نتیجه، اصلاح عبارتی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود: چک تأییدشده، چکی است که اشخاص عهده حساب جاری خود نزد بانک صادر می‌کنند و قبلاً وجه آن را توسط بانک محال‌علیه در حساب خود مسدود می‌نمایند. وجه این چک فقط قابل پرداخت بابت چک مورد بحث می‌باشد و قابل تأمین یا بازداشت از طرف بستانکاران صادرکننده نمی‌باشد.

پاراگراف دوم بند دو ماده ۱۷۶ هم زاید خواهد بود. اما برطبق بند ۳ ماده ۱۷۶، چک پول، چکی است که به تقاضای اشخاص توسط بانک در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد و وجه آن در هریک از شعب آن یا توسط کارگزاران آن پرداخت می‌شود، از قبیل چک مسافرتی. در این زمینه دو نکته قابل تذکار به نظر رسیده است:

اولاً، وقتی که چک در ماده ۱۷۲ به آن صورتی که قبلاً درج گردید، تعریف شده است، چک پول با آن تطبیق نمی‌کند، زیرا چک پول عهده حساب جاری نزد بانک صادر نمی‌شود؛ ثانیاً، قلمداد نمودن چک مسافرتی به عنوان مصداق «چک پول» صحیح نیست، زیرا چک مسافرتی در لایحه حذف شده و تعریفی ندارد.

از طرف دیگر، عبارت «چک پول» تعبیر مناسب و شایسته‌ای نیست و جامعه هم با آن آشنایی ندارد. آنچه در ذهنیت مردم وجود دارد، چک‌های تضمین شده و مسافرتی و چک‌های بانکی است که در ماده ۱۷۶ وجود ندارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که به جای «چک پول» از عبارت «چک تضمین شده» یا «چک مسافرتی» با این تعریف استفاده شود: چک تضمین شده یا چک مسافرتی، چکی است که به درخواست مشتری توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن بانک پرداخت می‌شود. پرداخت وجه این نوع چک را نمی‌توان متوقف نمود، مگر در دو مورد ذیل:

۱- بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید که در این صورت، بانک از پرداخت وجه آن به ارایه‌دهنده چک امتناع خواهد ورزید.  
۲- صدور دستور عدم پرداخت وجه چک از طرف مرجع قضایی خطاب به بانک، اعم از بانک صادرکننده یا بانک دیگر.

لایحه جدید، سه نوع چک را پیش‌بینی کرده است: چک عادی، چک تأییدشده، چک پول. بدین ترتیب، چک‌های تضمین شده و مسافرتی حذف شده‌اند و چک پول اضافه شده است.

ذیلاً به خبر منتشره در شماره ۲۳۴۹۹ مورخ ۸۴/۹/۲ روزنامه اطلاعات ذیل عنوان: «بانک مرکزی با نقد چک پول بانک‌ها موافق نیست» اشاره می‌نماید: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجوز نقد چک پول در دیگر بانک‌ها را صادر نمی‌کند. مسوول کمیسیون فنی بانک‌ها در مصاحبه با خبر رادیو سراسری، با بیان این مطلب افزود: هماهنگی بانک‌های ملی و صادرات برای نقد چک پول‌های یکدیگر در اجرا، با مشکلات زیادی مواجه و متوقف شد. جاویدی نژاد گفت: با انجام

چنانچه در چک صادره در وجه شخص معین، کلمه "حامل" نیز قید شده باشد، چک در وجه حامل تلقی می‌شود. از نظر این ماده، دارنده یا ذینفع چک اشخاص ذیل خواهند بود:

- حامل.
- شخص معین.
- شخص معینی که دارنده قبلی، یعنی شخص معین چک را به او حواله کرده باشد.
- به اضافه حامل اولاً، در چک فاقد نام ذینفع؛ ثانیاً، در چکی که نام شخص معین وجود دارد، اما کلمه حامل نیز قید گردیده است.

### واریز وجه چک به حساب بانکی

ماده ۱۸۰ لایحه چنین است: بانک گشاینده حساب جاری یا صادرکننده چک، می‌تواند با درج عبارت "واریز به حساب" یا عبارت مشابه در متن چک، پرداخت نقدی آن را منع کند. در این صورت، وجه چنین چکی فقط قابل واریز به یک حساب بانکی خواهد بود. به علاوه، در مورد چک دروجه شخص معین، چنانچه صادرکننده در متن چک به حساب معینی تصریح کند، وجه چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

لازم به توضیح است که این کار، خاص چک‌های عادی است و الزام واریز وجه چک به حساب بانکی، در واقع، در صلاحیت صادرکننده چک می‌باشد تا به هر منظور که مورد نظر خودش است، وجه چک به حساب بانکی واریز شود و در معنی این حساب اصولاً می‌بایست حساب ذینفع چک باشد. بنابراین، بانک‌گشاینده حساب جاری نقشی در این مورد ندارد.

ضمناً به نظر می‌رسد که هر دو پاراگراف ماده ۱۸۰ دارای یک معنی می‌باشند. بنابراین، متن ذیل به عنوان ماده ۱۸۰ پیشنهاد می‌شود:

**ماده ۱۸۰ پیشنهادی:** صادرکننده چک عادی می‌تواند ضمن قید نام ذینفع چک در متن چک، به بانک محال‌علیه تکلیف کند که وجه چک به یکی از حساب‌های جاری، پس‌انداز یا سپرده کوتاه‌مدت ذینفع چک (با قید شماره حساب) در همان بانک واریز گردد.

**تبصره پیشنهادی:** این نوع چک‌ها قابل ظهورنویسی به منظور وکالت در وصول یا انتقال وجه به ثالث نمی‌باشند. در غیر اینصورت، بانک محال‌علیه ترتیب‌اثر نخواهد داد.

### وجود اختلاف در مبلغ چک

برطبق ماده ۱۸۱ لایحه، اگر مبلغ چک بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است. اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

قانون صدور چک فعلی در مورد فوق ساکت است. بنابراین، ارایه راه‌حل اختلاف موجود درباره مبلغ و تاریخ چک مفید می‌باشد. با تذکار این که کلمه "رقم" به کلمه "عدد" تصحیح شود، زیرا "رقم" کلمه مصطلح و مانوسی در این قبیل موارد نیست.

این کار، تبادل اطلاعات درباره چک‌های مفقود یا سرقت‌شده میان بانک‌ها وجود نداشت که این امر برای مردم ایجاد مشکل می‌کرد. این مقام مسوول اضافه کرد: نقدکردن چک‌های مسافرتی در دیگر بانک‌ها کنترل بانک مرکزی را با مشکل مواجه می‌کند. وی همچنین با بیان این که چک‌پول که در تمام بانک‌ها نقد می‌شود، همان ایران چک است، افزود: ایران چک با نظارت بانک مرکزی چاپ می‌شود و قابل‌کنترل است. جاویدنژاد در پایان با بیان این که بانک‌ها با افزایش مبلغ ایران چک تا سقف دو میلیون ریال موافقت دارند، گفت: بانک مرکزی به سبب مشکلات امنیتی، چاپ و کنترل نقدینگی، با افزایش ارزش ایران چک موافق نیست.

### چک مشروط

ماده ۱۷۷ لایحه مشعر بر اینست که: هرگاه در متن چک پرداخت آن منوط به تحقق شرطی شده باشد، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. با این حال، بانک مکلف است وجه آن را پرداخت کند. در آخر ماده ۳ قانون صدور چک هم آمده است: هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب‌اثر نخواهد داد.

در مساله چک مشروط از نظر پرداخت وجه آن، هر دو حکم یکسان است، منتها با توجه به این که چک وسیله پرداخت است، در پرداخت، وجه چک را نمی‌توان به تحقق شرطی موقوف کرد و احراز تحقق شرط به عهده کیست؟ لهذا خروج چک مشروط از شمول مقررات چک، منطقی و صحیح به نظر می‌رسد.

■ ■ ■  
عبارت "چک‌پول" تعبیر مناسب و شایسته‌ای نیست و جامعه هم با آن آشنایی ندارد. بنابراین...  
■ ■ ■

### صدور چک عهده حساب جاری بسته

از نظر ماده ۱۷۸ لایحه، صدور چک در صورت بسته‌بودن حساب بانکی، موجب سلب اعتبار سند به عنوان چک نمی‌شود. اما دیدگاه قانون فعلی صدور چک طور دیگری است. ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: هرکس با علم به بسته‌بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد.

با توجه به این که در صورت بسته‌بودن حساب جاری صادرکننده چک، طبیعی است که وجه چک قابل‌پرداخت نخواهد بود، در نتیجه، می‌توان گفت که صادرکننده چک بی‌محل صادر کرده است و می‌بایست مجازات شود. با این ترتیب، حکم ماده ۱۰ منطقی به نظر می‌رسد، در صورتی که ماده ۱۷۸ لایحه برای این نوع چک‌ها اعتبار سند به عنوان چک قایل شده است. بنابراین، اصلاح ماده ۱۷۸ لایحه پیشنهاد می‌شود.

### تعریف دارنده و ذینفع چک

برطبق ماده ۱۷۹ لایحه، چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله‌کرد شخص معین باشد. چک فاقد نام ذینفع، در وجه حامل تلقی می‌شود.

## امضای چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب

به موجب ماده ۱۸۲ لایحه، در صورتی که چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب - اعم از شخص حقیقی یا حقوقی - صادر شده باشد، امضاکننده یا امضاکنندگان و صاحب حساب متضامناً مسوول عدم پرداخت هستند، مگر اینکه:

- ۱- نماینده ثابت کند که در حدود قانون و اختیارات مبادرت به امضا یا مهر و امضای چک کرده و عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی اوست و در متن چک سمت امضاکننده آشکار باشد. در این صورت، فقط صاحب حساب و نماینده بعدی دارای مسوولیت تضامنی خواهند بود.
- ۲- صاحب حساب ثابت کند که چک بدون اختیار یا فراتر از حدود اختیارات امضا یا مهر و امضا شده است. و اعتماد به اختیار امضاکننده یا امضاکنندگان، دارای مسوولیت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۹ قانون صدور چک فعلی، نماینده یا وکیل صاحب حساب را که مبادرت به صدور چک بدون محل نموده است، قابل تعقیب کیفری می‌داند، لکن در ماده ۱۸۲ لایحه، تعقیب کیفری پیش‌بینی نشده است، لهذا تکمیل ماده ۱۸۲ از این لحاظ پیشنهاد می‌شود. توضیح اینکه، صدور چک بدون محل در هر حال جرم است و قابل مجازات، فرقی نمی‌کند که خود صاحب حساب چک بی‌محل صادر کند یا نماینده و وکیل او و اعم از این که صاحب حساب شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی.

## تکمیل چک توسط دارنده چک

به موجب ماده ۱۸۳ لایحه، اگر چک هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای ۲، ۳، ۴، ۶ و ۷ ماده ۱۷۳ این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را خواهد داشت. در این صورت:

الف - صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب - اشخاصی که سند تکمیل‌شده را به عنوان ظهرنویس امضا یا مهر و امضا کرده‌اند، در حدود مفاد چک در برابر دارندگان بعدی مسوولیت دارند.

شروط اشاره‌شده به ماده ۱۷۳ عبارتند از:

- ۱- دستور پرداخت بدون قیدوشرط مبلغی معین با حروف و عدد (۲).
- ۲- نام بانک محال‌علیه (۳).
- ۳- نام صاحب حساب (۴).
- ۴- تاریخ صدور (۶).
- ۵- محل صدور (۷).

با توجه به این که قانون، یعنی ماده ۱۸۳ اختیار تکمیل چک را به دارنده می‌دهد، لذا به نظر می‌رسد که بند "الف" و استناد صادرکننده به خروج از حدود اختیارات اعطایی محملی ندارد، زیرا خروج دارنده چک از حدود اختیارات مربوط به موقعی است که صاحب حساب از طریق تفویض وکالت اختیاراتی به او داده باشد و او از محدوده اختیارات تفویضی از طریق وکالت تجاوز کرده باشد، در صورتی که همانطوری که ذکر شد، اختیار تکمیل چک را قانون (ماده ۱۸۳) به دارنده می‌دهد، مگر این که منظور این باشد که چک علاوه بر موارد ذکرشده در بالا، کاستی‌های دیگری هم داشته که دارنده چک آنها را هم تکمیل کرده و جزو اختیارات تفویضی به موجب ماده ۱۸۳ نبوده است.

یادآور می‌شود که از مجموع هشت شرطی که ماده ۱۷۳ برای چک معین کرده است، دارنده چک به موجب ماده ۱۸۳ اختیار تکمیل شرایط بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ را دارد که در بین این شرایط، دستور پرداخت بدون قیدوشرط (بند ۲) اصولاً طبیعت چک است، یعنی صدور چک ذاتاً به منظور پرداخت وجهی است از حساب جاری صادرکننده به ثالث. قید نام بانک محال‌علیه (بند ۳) و نام صاحب حساب (بند ۴) هم برعهده بانک می‌باشد، چون هر بانکی که دسته‌چک چاپ می‌کند، نام بانک هم در برگ‌های چک چاپ می‌شود. قید نام صاحب حساب هم برعهده بانک می‌باشد که قبلاً توضیح داده شد. بنابراین، تفویض اختیار تکمیل چک از این بابت به دارنده توجیه ندارد. اما درج تاریخ صدور (بند ۶) ممکن است هنگام صدور چک توسط صادرکننده فراموش شده باشد و اختیار درج آن به دارنده داده شده است. برای درج محل صدور (بند ۷) هم در برگ‌های چک محل خالی وجود دارد و هرگاه صادرکننده آن را پر ننمود، اختیار درج آن نیز به دارنده چک داده شده است.

در جمع‌بندی به نظر می‌رسد که اجرای شرایط هشتگانه را می‌بایست برحسب مورد به عهده بانک و صاحب حساب گذاشت تا چک وضعیت مناسب و قابل‌اطمینانی داشته باشد، یعنی درواقع، بانک و صاحب حساب می‌بایست چک را در وضعیت کامل در جریان وصول و ایصال قرار دهند.

با توجه به این که چک وسیله پرداخت است، لهذا خروج چک مشروط از شمول مقررات چک، منطقی و صحیح به نظر می‌رسد.

## ظهورنویسی چک

از ماده ۱۸۴ تا ۱۹۵ لایحه اختصاص به مساله ظهورنویسی چک دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

ماده ۱۸۴: انتقال چک به حواله‌کرد شخص معین، به وسیله ظهورنویسی و تسلیم سند به عمل می‌آید. منظور این است که هرگاه چک در وجه شخص معین صادر شده باشد و او بخواهد به هر علتی وجه چک را شخص ثالث وصول و دریافت دارد، می‌بایست چک را ظهورنویسی نموده و برگ چک را هم به طرف تسلیم نماید.

ماده ۱۸۵: ظهورنویسی چکی که انتقال آن با قلم‌گرفتنگی عبارت "به حواله‌کرد" یا با درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده است، انتقال عادی محسوب می‌شود و وجه چک صرفاً قابل واریز به حساب بانکی دارنده خواهد بود.

مساله حذف عبارت "حواله‌کرد" در متن چک‌ها از سال‌ها پیش در جامعه رواج پیدا کرده و هدف صادرکننده چک از حذف این عبارت، این بوده است که وجه چک را حکماً شخصی که نام وی در متن چک قید شده، دریافت کند. این عمل با توجه به این که اسناد تجاری از نظر قانون تجارت فعلی قابل‌نقل و انتقال می‌باشند، فاقد توجیه حقوقی بوده و به همین سبب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز طی نامه شماره نب / ۱۹۲۵ مورخ ۶۷/۵/۱۵ اعلام نموده است که حذف عبارت "حواله‌کرد" تأثیری در قابلیت نقل و انتقال چک ندارد.

در حال حاضر، از ماده ۱۸۵ دو مطلب استنباط می‌شود: یکی اینکه، چکی مورد ظهورنویسی قرار می‌گیرد که به علت حذف عبارت "حواله‌کرد" یا درج عبارت دارای معنی مشابه توسط صادرکننده انجام یافته است. دیگری اینکه، این عمل انتقال

یا به نام غیر صحیح نیست، زیرا در ابتدای امر دارنده چک الزاماً می‌بایست ظهرنویسی را به نام خود تکمیل نماید و اگر قصد انتقال به غیر داشت، به نام شخص بعدی تکمیل نماید، چون با توجه به مسوولیت ظهرنویسان در قبال دارنده چک، شناسایی و مشخص‌بودن ایادی قبلی در مرحله وصول وجه چک از طریق اقدامات قانونی ضروری است.

**ماده ۱۸۸:** چک در وجه حامل می‌تواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به غیر انتقال یابد. چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال‌گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل‌وانتقال است.

حکم قسمت اول این ماده از لحاظ اصول صحیح است، لکن به دو نکته باید توجه داشت:

۱- چک در وجه حامل گم‌شده را هر شخصی که پیدا کند، می‌تواند قبل از وصول دستور عدم‌پرداخت به بانک، وجه آن را دریافت کند و بانک تکلیفی ندارد که در مورد چگونگی دستیابی دارنده چک به اینگونه چک‌ها تحقیق نماید.

۲- در مورد عدم‌نیاز به ظهرنویسی، با توجه به این که وجود ظهرنویس یا ظهرنویسان در پشت چک مشخص نشده است، مسوولیت ظهرنویس یا ظهرنویسان در مقابل دارنده در مقام اقدام قانونی برای وصول چک لوٹ می‌شود. همین اشکال در مورد قسمت دوم ماده ۱۸۸ هم وجود دارد.

**ماده ۱۸۹:** در مواردی که چک در وجه حامل با ظهرنویسی در وجه شخص معین انتقال می‌یابد، همچنان چک در وجه حامل محسوب می‌شود، اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسوولیت است. این ماده در عین حال که با توجه به توضیحی که فوقاً در مورد ماده ۱۸۸ داده شده، مسوولیت ظهرنویس را حفظ کرده است، اما به نظر می‌رسد که وقتی چک در اصل در وجه حامل بوده و بعداً در وجه شخص معینی ظهرنویسی شده است، اطلاق چک در وجه حامل به چنین چکی صحیح نخواهد بود و اصولاً رواج چک‌های در وجه حامل با مبالغ درشت دور از احتیاط است.

**ماده ۱۹۰:** ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت، ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب شده و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ این قانون می‌شود.

با توجه به این که اصل بر قابل‌نقل‌وانتقال بودن چک می‌باشد، لذا حذف این ماده پیشنهاد می‌شود.

**ماده ۱۹۱:** هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدماتی ذکر شود، این ظهرنویس علاوه بر جبران خسارت وارد شده به ظهرنویس ماقبل خود و دارنده چک، به جزای نقدی معادل یک‌چهارم مبلغ چک محکوم خواهد شد.

با توجه به این که چک می‌بایست دارای تاریخ صدور باشد (بند ۶ ماده ۱۷۲) هرگاه فرضاً تاریخ مقدم قبل از تاریخ صدور چک باشد، نمی‌بایست معتبر باشد، چون به سهولت قابل‌تشخیص خواهد بود و نباید بدان ترتیب‌اثر داده شود. هرگاه تاریخ مقدم بین تاریخ صدور و یا آخرین تاریخ ظهرنویسی قبلی و تاریخ واقعی (تاریخ آخرین ظهرنویسی) باشد، اولاً، تشخیص این که عمد بوده یا غیرعمد چگونه خواهد بود و با کیست؟ ثانیاً، چه خسارتی از عملکرد ظهرنویسی که تاریخ مقدماتی را قید نموده، به ظهرنویس‌های ماقبل و دارنده چک وارد می‌شود؟ به نظر می‌رسد که این ماده دارای ابهام است.

**ماده ۱۹۲:** ظهرنویسی حاکی از انتقال است، مگر این که ظهرنویس وکالت در

عادی محسوب می‌شود. پس ماده ۱۸۵ اصولاً حذف عبارت "حواله‌کرد" یا وجود عبارت دارای معنای مشابه در چک را مانع ظهرنویسی به عنوان انتقال نمی‌داند، منتها مقرر می‌دارد که وجه چک صرفاً (فقط) قابل واریز به حساب بانکی دارنده چک خواهد بود. در اینجا علت این که دارنده نمی‌تواند شخصاً و راساً وجه چک را از بانک بگیرد و حکماً باید این وجه به حساب او واریز شود، معلوم نیست و روشن نشده است که هدف از این قید چیست؟

به‌طور کلی و اصولاً، عدم تجویز حذف عبارت "حواله‌کرد" در متن چک اصلاح و اولی است، اما هرگاه نظر قانونگذار غیر از این باشد، می‌توان این منظور را با بیان دیگری به شرح ذیل اعلام نمود:

**ماده ۱۸۵ پیشنهادی:** هرگاه صادرکننده چک عبارت "حواله‌کرد" را در متن چکی که در وجه شخص معین صادر کرده است، حذف نماید، این چک قابل‌ظهرنویسی و نقل‌وانتقال از طرف دارنده چک نمی‌باشد و می‌بایست دارنده اولیه چک وجه چک را شخصاً و راساً از بانک محال‌علیه دریافت دارد و یا به حساب بانکی خود در بانک محال‌علیه یا بانک دیگر منظور نماید. هرگاه چکی که عبارت "حواله‌کرد" آن خط خورده است، مورد انتقال و ظهرنویسی از طرف دارنده اولیه واقع شود، وجه چک فقط به دارنده بعدی پرداخت می‌شود و یا به حساب بانکی او منظور خواهد شد. این انتقال و ظهرنویسی فقط برای یک بار مجاز می‌باشد.

با عنایت به این که ماده ۱۸۵ پیشنهادی حاوی حکم کلی در مورد چک‌هایی است که عبارت "حواله‌کرد" آنها حذف شده است، لهذا نیازی به ماده ۱۸۶ به نظر نمی‌رسد و قید عبارت دارای معنای مشابه هم ضرورتی ندارد، زیرا در متن چک محلی برای قید چنین عبارتی وجود ندارد.

**در صورت بسته‌بودن حساب جاری صادرکننده چک، طبیعی است که وجه چک قابل پرداخت نخواهد بود و در نتیجه، می‌توان گفت که صادرکننده چنین چکی، چک بی‌محل صادر کرده است. بنابراین، اصلاح ماده ۱۷۸ لایحه پیشنهاد می‌شود.**

**ماده ۱۸۷:** ظهرنویسی چک، با امضا یا مهر و امضای دارنده در پشت چک محقق می‌شود. ممکن است که در ظهرنویسی نام شخصی که چک به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود، در غیر اینصورت، دارنده چک مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است. نسبت به این ماده دو نکته قابل‌تذکار به نظر رسیده است:

۱- با توجه به این که ظهرنویسان چک مسوولیت پرداخت وجه چک را دارند و شخصی که با ظهرنویسی مالک و دارنده چک می‌شود، می‌بایست شناخته شده و مشخص باشد تا دارنده در مقام اقدامات قانونی برای وصول وجه چک مواجه با اشکال عدم‌شناخت ظهرنویس ماقبل خود نگردد، پس به جای عبارت "ممکن است" می‌بایست ظهرنویس مکلف می‌شد که مشخصات منتقل‌لیه را در مقام ظهرنویسی در پشت چک قید نماید.

۲- قسمت آخر ماده ۱۸۷ دارنده را مجاز می‌کند که ظهرنویسی را به نام خود یا به نام غیر تکمیل کند. مخیرگذاشتن دارنده چک به تکمیل ظهرنویسی به نام خود



نقل وانتقال چک‌های بدون محل - چه عادی باشد چه غیرعادی - موجب ایجاد فساد در جامعه و از مصادیق شرخری است. بنابراین، ممنوعیت ظهرنویسی چک‌های بدون محل توصیه می‌شود.

### ضمانت پرداخت وجه چک

مواد ۱۹۶ تا ۲۰۰ لایحه، مربوط به ضمانت پرداخت وجه چک می‌باشد.  
**ماده ۱۹۶:** ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.  
**ماده ۱۹۷:** ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضا یا مهر و امضای ضامن، توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عهده محقق می‌شود. صرف درج نام و نشانی و امضا یا مهر و امضای پشت چک، ظهرنویسی برای انتقال محسوب می‌شود، مگر این که ذینفع خلاف آن را ثابت کند.  
 پیشنهاد می‌شود که در این ماده، کلمه "صرف" به کلمه "فقط" یا "تنها" اصلاح شود.

**صدور چک بدون محل، در هر حال جرم است و قابل مجازات، فرقی نمی‌کند که خود صاحب حساب چک بی محل صادر کند یا نماینده و وکیل او، و اعم از این که صاحب حساب شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی.**

**ماده ۱۹۸:** ضامن فقط با شخصی که وی را ضمانت کرده است، مسوولیت تضامنی دارد. به هر حال، مسوولیت ضامن از مضمون عهده بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می‌تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.  
 از مضمون این ماده چنین استنباط می‌شود که ضامن فقط از یک شخص ضمانت خواهد کرد، در صورتی که ضمانت از بیش از یک نفر هم امکان دارد. بنابراین، اصلاح این ماده به این شرح پیشنهاد می‌شود:

**ماده ۱۹۸ پیشنهادی:** ضامن فقط با شخص یا اشخاصی که از او یا از آنها ضمانت کرده است، مسوولیت تضامنی خواهد داشت. به هر حال، مسوولیت ضامن از این شخص یا اشخاص بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می‌تواند برای وصول تمام وجه چک و متفرعات آن، به هریک منفرداً یا به بعضی یا تمام آنها مجتمعاً مراجعه کند.

**ماده ۱۹۹:** مسوولیت ضامن جز در خصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان، همواره اعتبار دارد.  
 با توجه به اطلاق ماده ۱۹۸ و این که ضمانت ضامن بدون قید و شرط می‌باشد، مخدوش نمودن ضمانت ضامن به سبب وجود ایرادات مرتبط با سند (چک) و مرور زمان صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا این احتمال وجود دارد که ضامن برای شانه‌خالی کردن از بار مسوولیت پرداخت وجه چک، به سوی عنوان نمودن ایرادات با استناد به مرور زمان سوق داده شود، در صورتی که ضمانت پرداخت را عالمأ و عامداً قبول کرده است. بنابراین، حذف ماده ۱۹۹ پیشنهاد می‌شود.

**ماده ۲۰۰:** ضامن در صورت پرداخت مبلغ چک، از کلیه حقوق ناشی از سند در مقابل مضمون عهده و نیز اشخاصی که در برابر او مسوولیت دارند، برخوردار است.  
 با توجه به اینکه ضمانت ضامن شامل متفرعات چک نیز می‌باشد، ماده ۲۰۰ می‌بایست از این لحاظ تکمیل و آخر ماده به عبارت "برخوردار خواهد بود" ختم شود.

وصول را قید نموده باشد که در این صورت، انتقال چک واقع نمی‌شود، اما وکیل اختیار وصول، واخواست کردن و مطالبه گواهی نامه عدم پرداخت را دارد.  
 نکات ذیل در این مورد قابل تذکار است:

۱- این ماده اصل را بر انتقال چک بر اثر ظهرنویسی قرار داده است و صحیح است. بنابراین، سایر مواد اولیه می‌بایست با این اصل هماهنگ باشند.  
 ۲- وکیل قراردادن ثالث برای وصول وجه چک منع قانونی ندارد، منتها می‌بایست معلوم باشد که محل قید نمودن وکالت در وصول کجاست. شایسته است که دستورالعمل بانک مرکزی این موضوع را برای بانک‌ها و دارندگان چک روشن نماید.  
 ۳- به موجب رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور (رای شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰) گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تادیه وجه چک به منزله واخواست می‌باشد (مجموعه قوانین سال ۱۳۶۹ / صفحه ۵۴۹). با توجه به این که صدور گواهی نامه از طرف بانک در صورت پرداخت نشدن وجه چک در ماده ۲۱۰ لایحه پیش‌بینی شده است، بنابراین، پیش‌بینی عمل واخواست در ماده ۱۹۲ ضروری به نظر نمی‌رسد.

**ماده ۱۹۳:** وکالت در وصول چک به شرح ماده ۱۹۲ این قانون، با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی‌شود. به علاوه:

۱- با بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی مغایر است.

۲- ظهرنویس و موکل شخص واحدی هستند. بنابراین، قید عبارت "ظهرنویس یا موکل" ضرورت ندارد و ذکر یکی کافی است.

**ماده ۱۹۴:** چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، این شرط برای بانک بی‌اثر و ظهرنویسی معتبر است. ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است.  
**تبصره:** شروط فوق برای محاکم قابل استماع است.

درباره قسمت دوم ماده ۱۹۴ که گفته است: «ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است» ظاهراً منظور اینست که هرگاه دارنده چک با عمل ظهرنویسی قسمتی از وجه چک را به دیگری انتقال داد، این عمل باطل است و باید همینطور باشد، چون وجه یک چک را نمی‌توان به دو قسمت تجزیه و تفکیک نمود. پرداخت وجه چنین چکی که بخشی از آن به دیگری منتقل شده و بخش دیگر در مالکیت ظهرنویس باقی است، در بانک محال علیه مواجه با اشکال می‌شود، زیرا برای دریافت وجه چک از بانک می‌بایست لاشه چک به بانک تسلیم شود و این در مواردی که مالک وجه چک دو نفر هستند، میسر نخواهد بود. با این ترتیب، برای این که کار مواجه با اشکال نگردد و از قسمت دوم ماده ۱۹۴ رفع ابهام شود، این قسمت از ماده ۱۹۴ باید به این شرح اصلاح شود: «ظهرنویسی قسمتی از مبلغ چک باطل و بلااثر بوده و جزئی از وجه چک به دیگری منتقل نمی‌شود. ضمناً بانک محال علیه نیز به این قید ترتیب‌اثر نداده و کان‌لم‌یکن خواهد بود.»

یادآور می‌شود که وجود چنین امری در مسایل مربوط به چک که مسبوق به سابقه هم نیست، مآلاً مشکلاتی را برای مردم ایجاد می‌کند، در حالی که کار چک هر قدر آسانتر و روانتر باشد، اولی و ارجح است.

**ماده ۱۹۵:** ظهرنویسی چک پس از صدور گواهی نامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه، انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۸۵ این قانون است.

درباره ماده ۱۸۵ همچنین واخواست‌نامه قبلاً توضیح لازم داده شد، اما اصولاً

## مهلت دریافت و پرداخت وجه چک

مواد ۲۰۱ تا ۲۰۳ اختصاص به این موضوع دارد.

**ماده ۲۰۱:** وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود، هر چند تاریخ موخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

قبلاً هم توضیح داده شد که اجرای این ماده باتوجه به قسمت آخر آن، سبب خواهد شد که صاحبان حساب جاری نسبت به صدور چک‌های وعده‌دار امساک داشته باشند. بنابراین، دستور قانونگذار کاملاً منطقی و منطبق با ماهیت و کیفیت وجودی چک می‌باشد که وسیله پرداخت است نه ابزار تعهد. عدم توجه به این امر و نادیده گرفتن مواد ۳۱۱ و ۳۱۳ قانون تجارت موجب شده است که معامله‌گران در معاملات غیرتقدی از چک وعده‌دار استفاده کنند و مشکلاتی که در جامعه درباره موضوع چک ایجاد شده، بیشتر ناشی از رواج چک‌های وعده‌دار است که صاحب حساب در سر وعده نمی‌تواند وجه چک را در حساب جاری خود نزد بانک تامین نماید و در اظهارنظرها هم معمولاً مشکلات ایجادشده در جامعه را متوجه نظام بانکی کشور می‌کردند دایر بر این که "حساب جاری بازمی‌کنند و دسته‌چک به اشخاص می‌دهند" غافل از این که نفس حساب جاری و برگ‌های چک در این مورد مقصر نبودند، بلکه نقص مقررات صدور چک باعث اغتشاش و بی‌نظمی و هرج‌ومرج بود.

**ماده ۲۰۲:** چنانچه دارنده چک ظرف دو ماه از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند، دعوای او بر ظهرنویسان مسموع نیست و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است، ازبین‌برود، دعوای دارنده چک بر صادرکننده نیز مسموع نیست. تسلیم چک به بانک به عنوان وکیل در وصول، به منزله ارایه آن جهت مطالبه است.

■ ■ ■

**وکیل قراردادان ثالث برای وصول وجه چک منع قانونی ندارد، منتها باید معلوم باشد که محل قیدنمودن موضوع وکالت در وصول کجاست.**

■ ■ ■

درباره این ماده نکات ذیل قابل تذکار می‌باشد:

۱- به نظر می‌رسد که در تدوین این ماده توجه به ماده ۳۱۵ قانون تجارت فعلی بوده که جهت مزید استحضار خوانندگان محترم درج می‌شود: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است، باید تادیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد، باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند، دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود...»

ماده ۲۰۲ لایحه، مراتب مذکور در ماده ۳۱۵ قانون تجارت فعلی را خلاصه کرده و فقط یک مهلت دومانه را معین کرده است که در صورت عدم مطالبه دارنده چک ظرف دو ماه مذکور، دعوای او بر ظهرنویسان مسموع نخواهد بود.

یک قسمت دیگر از ماده ۳۱۵ قانون تجارت فعلی هم چنین است: «... و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است، ازبین برود، دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.»

ماده ۲۰۲ لایحه "بانک" را به جای محال‌علیه ماده ۳۱۵ قرار داده است. همانطور که قبلاً هم اشاره شد، در قانون تجارت فعلی، "محال‌علیه" قید شده

است، لکن عملاً چک عهده حساب جاری صادرکننده در بانک به عنوان محال‌علیه صادر می‌شده و در ظاهر امر که از نظر قانون تجارت فعلی محال‌علیه شخصی غیر از بانک بوده، ازبین رفتن وجه چک به سبب مربوط به محال‌علیه اشکالی ایجاد نمی‌کرد، اما در حال حاضر که در ماده ۲۰۲ لایحه به صراحت گفته می‌شود: "... و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است، ازبین برود..." موضوع حساس می‌شود، زیرا عبارت "ازبین رفتن" محمول بر این است که موجودی حساب جاری مشترک بانک به سببی که مربوط به بانک است، محو و نابود شده باشد. این امر چگونه اتفاق می‌افتد؟ و اگر هم واقعاً بانک به شکلی مسبب ازبین رفتن موجودی حساب جاری مشتری شده باشد، مسوول خواهد بود. در این حالت، دو مساله اتفاق می‌افتد: یکی اینکه، دعوای دارنده چک بر صادرکننده مسموع نیست؛ دیگری اینکه، بانک که مسبب ازبین رفتن موجودی حساب جاری دارنده حساب جاری شده است، مسوول و جوابگو خواهد بود. چه بسا ممکن است که دارنده چک وجه چک را از بانک مطالبه نماید. بنابراین، پیش‌بینی ازبین رفتن وجه چک به سبب مربوط به بانک در قانون، مشکل‌آفرین برای بانک‌ها خواهد بود.

۲- از قسمت آخر ماده ۲۰۲ چنین استنباط می‌شود که دارنده چک آن را برای دریافت وجه آن و واریز به حساب دارنده، به بانک خود می‌سپارد. قانونگذار این امر را به منزله مطالبه می‌داند که در ماده ۲۰۲ پیش‌بینی شده است. هرگاه بانک بخواهد این کار را مطابق سیستم بروات وصولی انجام دهد، به نظر می‌رسد که می‌بایست مسوولان پرداخت را دعوت به پرداخت وجه چک بنماید. از عبارت آخر ماده ۲۰۲ نمی‌توان به ضرر قاطع اظهارنظر نمود که صرف سپردن چک برای وصول به بانک، همان مطالبه است و نیاز به تشریفات دیگر وجود ندارد.

**ماده ۲۰۳:** اگر آخرین روز مهلت، تعطیل باشد، اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده ۲۰۲ این قانون افزوده می‌شود.

## فوت یا حجر صادرکننده چک

**ماده ۲۰۴:** چنانچه صادرکننده چک فوت کند یا محجور شود، این امر موثر در اعتبار چک‌های صادرشده نیست. بانک در صورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی، ممنوع از پرداخت و مکلف به صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت با ذکر علت است. قسمت اول این ماده ناظر به معتبربودن چک‌هایی است که صاحب حساب، یعنی صادرکننده آنها پس از تاریخ صدور چک‌ها فوت نماید یا محجور شود. به بیان دیگر، وجه این چک‌ها بدون هیچ مانعی قابل پرداخت از طرف بانک بوده و متعلق حق ذینفع چک‌هاست.

قسمت دوم هم حاکی از آن است که بانک در صورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی، اجازه پرداخت وجه چک را ندارد.

در مساله صدور حکم ورشکستگی صادرکننده، به تاریخ ورشکستگی اشاره نشده است تا معلوم شود که چک یا چک‌های صادره از سوی ورشکسته قبل از تاریخ ورشکستگی بوده یا بعد از آن. علاوه بر این، آگاهی بانک هم می‌بایست به طور رسمی حاصل شده باشد، یعنی آگاه‌شدن بانک باید به موجب مدارک مربوط قابل اثبات باشد.

درباره آگاه‌شدن بانک از بازداشت موجودی حساب صادرکننده هم لازم به تذکار

است که بازداشت‌نامه می‌بایست رسماً به بانک ابلاغ شود، یعنی آگاه‌شدن بانک از این طریق می‌تواند مانع پرداخت باشد. بنابراین، ماده ۲۰۴ نیاز به بازنگری و رفع ابهام دارد.

### تطبیق امضا یا مهر و امضای صادرکننده چک

**ماده ۲۰۵:** بانک پرداخت‌کننده چک، مکلف است در حد عرف بانکداری، امضا یا مهر و امضای آن را با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده تطبیق دهد. در لایحه، تکلیف بانک به شرح فوق و به‌طور مستقل، ضمن یک ماده مشخص شده است و قانون صدور چک فعلی فاقد این ماده به‌طور مستقل می‌باشد. ضمناً یادآور می‌شود که مسأله مطابقت یا عدم‌مطابقت در ماده ۴ قانون فعلی صدور چک و ماده ۲۰۷ لایحه (بند ۵) مربوط به گواهی عدم‌پرداخت وجه چک مطرح شده است.

### انقضای مواعد

**ماده ۲۰۶:** انقضای مواعد مندرج در این قانون، مانع پرداخت وجه چک (در صورت وجود موجودی) یا صدور گواهی عدم‌پرداخت توسط بانک نیست. با توجه به اینکه حکم این ماده فقط ناظر به چک قلمداد شده است، بهتر است که پس از عبارت "در این قانون" عبارت "درباره چک" درج گردد.

### عدم‌پرداخت وجه چک

**ماده ۲۰۷:** هرگاه وجه چک پرداخت نشود، بانک مکلف است گواهی‌نامه‌ای با محتویات زیر صادر و به دارنده تسلیم کند:

- ۱- مشخصات کامل چک.
- ۲- هویت و نشانی کامل صادرکننده.
- ۳- میزان موجودی حساب در صورت عدم‌کفایت یا تصریح به کفایت موجودی.
- ۴- تاریخ ارایه چک به بانک.
- ۵- گواهی مطابقت یا عدم‌مطابقت امضا یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضا یا مهر و امضای موجود در بانک.
- ۶- نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک.
- ۷- علت یا علل عدم‌پرداخت.

در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده، مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت کند و گواهی‌نامه را با تصریح به مبلغ پرداخت‌شده، صادر کند. گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

**تبصره:** هر جا که در قوانین و مقررات دیگر واخواست اسناد تجاری پیش‌بینی شده است، گواهی‌نامه عدم‌پرداخت چک به منزله واخواست‌نامه تلقی می‌شود.

نکات ذیل در این مورد قابل‌یادآوری است:

۱- صدور گواهی‌نامه باید به درخواست دارنده چک باشد، نه تکلیف و الزام قطعی بانک.

۲- عبارت "تصریح به کفایت موجودی" حاکی از این است که وجه چک به علتی غیر از نداشتن محل پرداخت نشده است.

۳- پرداخت قسمتی از وجه چک به تقاضای دارنده، ناظر به موردی است که ذینفع چک شخصاً به بانک مراجعه و قسمتی از وجه چک را دریافت می‌کند و می‌بایست در پشت چک رسید بدهد. این کار در مورد چک‌های انتقالی که دارنده شخصاً به باجه بانک محال‌علیه مراجعه نمی‌کند، چگونه انجام خواهد یافت؟

۴- عبارت "... گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود..." نشان‌دهنده این است که دارنده با دریافت قسمتی از وجه چک، لاشه چک را به بانک محال‌علیه تسلیم می‌نماید. بنابراین، می‌بایست به ضرورت تسلیم چک به بانک تصریح شود تا علت جانشینی گواهی‌نامه به اصل چک روشن گردد.

**ماده ۲۰۸:** بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهی‌نامه و عدم‌پرداخت یا صدور نادرست یا نقص آن است. در این مورد دو مطلب به نظر رسیده است:

۱- حرف "و" بین "گواهی‌نامه" و "عدم‌پرداخت" زاید به‌نظر می‌رسد.

۲- ضمانت بانک در مورد خسارت ناشی از خودداری از صدور گواهی‌نامه عدم‌پرداخت، فقط می‌بایست ناظر به موردی باشد که بانک بدون علت و دلیل قانونی از صدور آن امتناع ورزیده است.

**ماده ۲۰۹:** بانک مکلف است رونوشت گواهی‌نامه مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

لازم به یادآوری است که درباره صدور مجدد گواهی عدم‌پرداخت، اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) طی بخشنامه شماره ۹۰۱ مورخ ۷۹/۲/۱۹ صدور مجدد گواهی‌نامه عدم‌پرداخت را تجویز نموده بود، به این معنا که هرگاه چک پس از برگشت اولیه به اشخاص ثالث منتقل گردد و بعد از ارایه مجدد به بانک بنا به علل مصرحه در قانون چک مواجه با برگشت شود، بانک موظف است در صورت درخواست آورنده (شخص ثالث) نسبت به صدور گواهی عدم‌پرداخت مجدد اقدام و در برگه گواهی جدید با قید شماره و تاریخ به این نکته اشاره نماید که در خصوص چک مذکور قبلاً نیز گواهی عدم‌پرداخت صادر شده است. به عبارت دیگر، لازم نیست که در گواهی جدید قید شود که گواهی قبلی باطل شده است.

### کار چک هر قدر آسانتر و روانتر باشد، اولی و ارجح است.

بعداً اداره مذکور طی بخشنامه شماره ۲۱۱۵ مورخ ۸۰/۵/۲۹ خطاب به بانک‌ها اعلام نموده است که بخشنامه شماره ۹۰۱ مورخ ۷۹/۲/۱۹ این اداره به موجب رای شماره ۷۲ مورخ ۸۰/۳/۶ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است و در نتیجه، بانک مرکزی بخشنامه شماره ۹۰۱ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۹ خود را نیز باطل کرده و اعلام نموده است که صدور گواهی عدم‌پرداخت مجدد روی چک‌های برگشتی ممنوع می‌باشد.

لزوماً یادآور می‌شود که ماده ۲۴۷ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی می‌گوید: «هرگاه گواهی‌نامه‌های متعدد و متعارض از بانک صادر گردد، صدور اجراییه موکول به رفع تعارض از همان بانک است.»

در این ماده امکان صدور گواهی‌نامه‌های متعدد پیش‌بینی شده است.

متعارض بودن یا نبودن بحث دیگری است.

با عنایت به مراتب بالا پیشنهاد می‌نماید که درباره گواهی عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ تصریح شود که در هر شرایطی فقط یک بار گواهی عدم پرداخت در مورد چک بدون محل صادر خواهد شد، اما این پیشنهاد در تایید رای دیوان عدالت اداری خواهد بود. مدرک اصلی و اساسی وصول وجه چک بدون محل از طریق مراجع ذیصلاح، گواهی عدم پرداخت می‌باشد، مثلاً ماده ۲۴۵ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی برای صدور اجراییه در مورد چک، تسلیم اوراقی را به ثبت محل ضروری می‌داند که عبارتند از:

۱- درخواست نامه چاپی طبق نمونه موجود در ثبت.

۲- اصل و فتوکپی چک و برگشتی آن.

با این ترتیب، بانک‌ها یا باید مجاز باشند (به حکم قانون) که برای هر دفعه ارایه چک به بانک از طرف ایادی بعدی، اگر محل نداشت، گواهی عدم پرداخت صادر کنند، یا نقل و انتقال چک برگشتی ممنوع شود و این اصلح و اولی است.

ماده ۲۱۰: در صورت خودداری بانک از صدور گواهی‌نامه مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون، دارنده چک می‌تواند از طریق مرجع قضایی مبادرت به واخواست کند و واخواست‌نامه باید متضمن مشخصات کامل پشت و روی چک و مشخصات دارنده چک باشد. مأمور ابلاغ یا مراجعه به بانک، علل عدم پرداخت وجه چک و همچنین علل امتناع از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا امتناع از امضا یا مهر و امضای واخواست‌نامه توسط بانک را در واخواست‌نامه قید و امضا یا مهر و امضا می‌کند.

#### اصولاً نقل و انتقال چک‌های بدون محل، موجب ایجاد فساد در جامعه و از مصادیق شرعی است. بنابراین، ممنوعیت ظهرنویسی چک‌های بدون محل توصیه می‌شود.

با توجه به این که واخواست چک بدون محل مسبوق به سابقه نبوده و رای هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز آن را ضروری ندانسته و گواهی‌نامه عدم پرداخت صادره از طرف بانک محل‌علیه را کافی دانسته است، مضافاً این که خود لایحه نیز ضمن تبصره ماده ۲۰۷ ضرورت واخواست را نفی نموده است و جامعه نیز درباره چک آشنا به این موضوع نیست و دقت در متن ماده حکایت از بروز مشکلاتی در سیستم بانکی دارد و موجد درگیری بین بانک و دارنده چک به سبب امتناع بانک از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت خواهد بود و در قانون صدور چک فعلی هم امتناع بانک از صدور گواهی‌نامه پیش‌بینی نشده است، لهذا با توجه به جهات ذکر شده، به نظر می‌رسد که حذف صریح تجویز امتناع بانک از صدور گواهی‌نامه و مکلف کردن بانک به صدور گواهی‌نامه - مشابه ماده ۴ قانون صدور چک - به مصلحت می‌باشد. ضمناً مراجعه مأمور ابلاغ به بانک به ترتیبی که در ماده ۲۱۰ ذکر شده است، انعکاس نامطلوبی در جامعه و مشتریان بانک خواهد داشت.

#### مسئولیت تضامنی

ماده ۲۱۱: صادرکننده یا صادرکنندگان، ظهرنویس‌ها و بانک تاییدکننده یا تضمین‌کننده، در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارند. دارنده چک در صورت عدم تادیبه می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد، منفرداً و یا مجتمعاً رجوع کند.

همین حق را هریک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوا بر یک یا چند تن از مسوولان، موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسوولان چک نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

در این ماده برای بانک تایید یا تضمین‌کننده هم مسئولیت پرداخت وجه چک پیش‌بینی شده است، بدون این که کیفیت و ماهیت و علت و چگونگی تایید و تضمین بانک ذکر شده باشد. درهرحال، مسئولیت ناشی از عدم تادیبه وجه چک می‌باشد. خود لایحه ضمن ماده ۱۷۶ انواع چک را شمرده است:

اول، چک عادی که برطبق تعریف قانون، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند. در این نوع چک، بانک محل‌علیه هیچگونه تایید یا تعهدی در صورت عدم تادیبه ندارد.

دوم، چک تاییدشده که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محل‌علیه پرداخت وجه آن تعهد شده است.

قبلاً توضیح داده شد که این چک‌ها هم چک عادی هستند، منتها بانک به درخواست صاحب حساب، وجه آن را در حساب جاری مشتری مسدود می‌کند و فقط اختصاص به همان چک دارد. با این ترتیب، در صورت ارایه این چک به بانک محل‌علیه، چون محل آن قبلاً تأمین شده است، لهذا عدم تادیبه تحقق پیدا نمی‌کند. در این نوع چک هم بانک تایید و یا تعهدی ندارد که در صورت عدم تادیبه مسوول باشد.

سوم، چک پول است که قبلاً درباره این نوع چک توضیح داده شده و چون وجه آن قبلاً در بانک تأمین شده است، لذا عدم تادیبه به علت نداشتن محل اتفاق نمی‌افتد. باین ترتیب، عدم تادیبه خاص چک‌های عادی است که ارتباطی با بانک محل‌علیه نخواهد داشت و اینکه ماده ۲۱۱ مسوولیتی را برای بانک به علت مطلق عدم تادیبه پیش‌بینی کرده است، صحیح به نظر نمی‌رسد. البته ممکن است که عدم تادیبه به جهت یا جهاتی غیر از نداشتن محل اتفاق افتاده باشد که در این حالت هم می‌بایست مشخص شود که مسوولیت بانک به چه سبب و علتی در ماده ۲۱۱ ذکر شده است.

ضمناً شایسته است که در ماده ۲۱ عبارت "منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند" به عبارت "منفرداً یا به بعضی یا تمام آنان مجتمعاً رجوع کند" اصلاح گردد.

ماده ۲۱۲: در اجرای ماده ۲۱۱ این قانون، جز در مورد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که چک را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمی‌شود.

ماده ۲۱۳: ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسوولیت در ضمن ظهرنویسی، خود را از قید مسوولیت‌های مقرر در ماده ۲۱۱ این قانون معاف دارد. درباره این ماده توضیح ذیل ضروری به نظر رسید: با توجه به ماده ۱۹۲ لایحه که گفته «ظهرنویسی حاکی از انتقال چک است» استنباط اینست که ظهرنویسی مذکور در ماده ۲۱۳ هم به منظور انتقال است نه وکالت در وصول که ظهرنویسی می‌خواهد در ضمن ظهرنویسی خود را از مسوولیت‌های مقرر در ماده ۲۱۱ لایحه معاف دارد. ظهرنویسی که چک را با ظهرنویسی به شخص دیگر انتقال می‌دهد، یا بابت بدهی خود چک را به ثالث واگذار می‌کند، یا در مقابل دریافت وجه چک از ثالث، که در این دو حالت، در صورت عدم تادیبه وجه چک، ظهرنویس مورد بحث هم

### ملاحظات در باره خسارت تاخیر تادیه

درباره سابقه تاریخی قانونگذاری نسبت به خسارت عدم تادیه وجه چک، بی‌مناسبت نیست که در اینجا اشاره‌ای بشود. در قانون فعلی صدور چک ضمن تبصره ماده ۱۲ آمده است: «میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود.»

**ماده واحده - تبصره:** دارندنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به‌طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارندنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست نماید، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید (به نقل از مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶ / صفحه ۲۹۰).

در پاسخ به استفساری که درباره تبصره الحاقی از مجمع تشخیص مصلحت نظام به عمل آمده، نظر مجمع چنین اعلام شده است:

**ماده واحده:** منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارت تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است (به نقل از مجموعه قوانین سال ۱۳۷۷ / صفحه ۶۰۶).

درباره خسارت تاخیر تادیه مطلب ذیل هم از شماره ۲۱۶۰۵ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲ روزنامه اطلاعات عیناً درج می‌شود:

#### محضر مبارک مقام معظم رهبری آیت‌ا... خامنه‌ای

بعدالتحیه والسلام، نظر به این که ماده ۱۲ قانون صدور چک، گرفتن وجهی به عنوان خسارت تاخیر تادیه را مجاز می‌شمارد که لازمه آن گرفتن مبلغی بیش از اصل دین می‌باشد و از شئون قانون مزبور که در سال ۵۵ تصویب شده است، در سال ۷۲ در

مسئولیت دارد، چون از چک منتفع شده و نمی‌تواند خود را از مسوولیت معاف کند.

**ماده ۲۱۴:** دارندنده چکی که منجر به صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه شده باشد، باید مراتب را ظرف ده روز از تاریخ وصول گواهی‌نامه یا واخواست‌نامه به طریق مضبوطی به شخصی که چک را به او واگذار نموده، ابلاغ کند. هریک از ظهرنویس‌ها نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق به طریق مضبوطی به یدمقابل خود ابلاغ کند. در غیر اینصورت، مسوول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

**تبصره:** عدم اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویسان از عدم پرداخت وجه چک، رافع مسوولیت‌های موضوع ماده ۲۱۱ این قانون در برابر دارندنده نیست.

در این زمینه نکاتی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

۱- در مورد چک، واخواست و واخواست‌نامه مورد ندارد.

۲- با توجه به این که شروع مهلت ده‌روزه از تاریخ وصول گواهی‌نامه به دارندنده

مجلس شورای اسلامی مطرح و برخی از مواد آن اصلاح گردیده و به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است، علیهذا مستدعی است نظر مبارک را در مورد اینکه آیا گرفتن خسارت تاخیر تادیه طبق فوق شریعت دارد یا از مصادیق ربا می‌باشد، اعلام فرمایید.

علی رازینی، رییس کل وقت دادگستری استان تهران

**پاسخ:** بسمه تعالی - خسارت ناشی از تاخیر تادیه بدهی اگر ثابت شود که مستند

به تاخیر تادیه است، در ضمان بدهکار است و حکم ربا ندارد و در هر صورت، حکم مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده باشد، بی‌اشکال و قابل اجراست.

خبر درج شده در شماره مورخ ۱۳۸۰/۴/۳۱ روزنامه اطلاعات هم چنین است: نحوه محاسبه خسارت تاخیر تادیه در چک طی بخشنامه‌ای از سوی رییس قوه قضاییه به دادگستری‌های سراسر کشور ابلاغ شد. در این بخشنامه آمده است براساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظریه مجمع درخصوص محاسبه خسارت تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم، محاسبه خسارت تاخیر تادیه چک از تاریخ چک تا زمان وصول آن در نظر گرفته شده است. اصل و خسارت تاخیر تادیه به این صورت محاسبه شده است: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تاریخ تادیه چک، تقسیم بر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تاریخ صدور چک، ضربدر مبلغ چک. براساس نامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شاخص سالانه کالاها و خدمات در سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۷۹ به شرح جدول ضمیمه بخشنامه می‌باشد.

اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در پاسخ استعلام نظر درباره مغایرت یکی از مصوبه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام با مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اظهار داشته است که طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان، مصوبات این مجمع با تصویب قانون عادی دیگری قابل‌نسخ نیست. بنابراین، مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هر چند مؤخرالتصویب باشد، نمی‌تواند نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد.

(مأخذ: روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۱۶ مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۷)

چک پرداخت نشده تعیین گردیده است، لهذا تسلیم گواهی‌نامه عدم پرداخت به دارندنده چک می‌بایست با دریافت رسید و قید تاریخ مسجل شود.

۳- درباره ابلاغ به طریق مضبوط تعریف حقوقی در جایی ملاحظه نشد. بنابراین، رفع ابهام در این باره ضروری می‌باشد.

۴- ماده ۲۱۴ لایحه، از ماده ۲۸۴ قانون تجارت فعلی الهام گرفته است و این که عدم ابلاغ به ید ماقبل، ظهرنویس را مسوول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ دانسته است، مشخص نیست که خسارات وارده چیست، آن هم خسارت به صورت

**بانک‌ها باید به حکم قانون مجاز باشند که برای هر دفعه ارایه چک به بانک از طرف ایادی بعدی، اگر محل نداشت، گواهی عدم پرداخت صادرکنند، یا نقل و انتقال چک برگشتی ممنوع شود، و این اصلح و اولی است.**

واخواست نامه، گواهی نامه عدم پرداخت و صورت حساب تادیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.  
در این حکم از ماده ۲۵۰ قانون تجارت استفاده شده است و حذف عبارت "واخواست نامه" پیشنهاد می‌شود.

### توقیف وجه چک

**ماده ۲۱۷:** اگر مبلغ چک به حکم قانون نزد بانک محال علیه توقیف شده باشد، در این صورت، نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسوول خواهد بود.  
در این مورد توجه به ماده ۸۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۶۵ ضروری است: «هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث - اعم از حقیقی یا حقوقی - باشد یا مورد درخواست توقیف طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد، اختطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجرایی به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می‌گردد.»  
**ماده ۸۸** قانون اجرای احکام مدنی هم حاکی از آن است که شخص ثالث پس از ابلاغ اختطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید. در صورت تخلف، مسوول جبران خسارت وارده به محکوم علیه خواهد بود.

مواد ۸۹ تا ۹۵ هم مربوط به احکام توقیف مال نزد شخص ثالث می‌باشد.  
**حکم ماده ۸۱** آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۵۵ به این شرح است: «هرگاه متعهد اظهار نماید که وجه نقد یا اموال منقول متعهد نزد شخص ثالثی است، آن اموال و وجه تا اندازه‌ای که با دین متعهد و سایر هزینه‌های اجرایی برابری کند، بازداشت می‌شود و بازداشت نامه به شخص ثالث و متعهد ابلاغ و در نسخه ثانی رسید گرفته می‌شود، اعم از این که شخص ثالث حقیقی باشد یا حقوقی و اعم از این که دین او حال باشد یا مؤجل.»  
**ماده ۸۳** هم بدین شرح است: «ابلاغ بازداشت نامه به شخص ثالث او را ملزم می‌کند که وجه یا اموال بازداشت شده را به صاحب آن ندهد، والا معادل آن وجه یا قیمت آن اموال را اداره ثبت از او وصول خواهد کرد. این نکته در بازداشت نامه باید قید شود.»  
**مواد ۸۴ تا ۸۷** نیز مربوط به احکام توقیف مال نزد شخص ثالث می‌باشد.

### اقامه دعوا برای وصول وجه چک

**ماده ۲۱۸:** در صورت اقامه دعوا، دادگاه تجارت مکلف است با تقاضای دارنده چکی که به علت واخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تادیه نشده است، معادل وجه چک را از اموال خوانده یا خواندگان تامین کند.  
**ماده ۱۰۸** قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۹ حاکی از آن است که خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است، در موارد زیر از دادگاه درخواست تامین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است: الف)... ب)... ج) در مواردی از قبیل اوراق تجاری و واخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تامین باشد.  
**ماده ۱۱۰** قانون اخیر الذکر هم چنین است: «در دعوی که مستند آنها چک یا

جمع، یعنی "خسارات"، با توجه به این که ورود خسارت نیاز به اثبات دارد، به نظر می‌رسد که درج مطلب مذکور در قانون موجب طرح دعوای زیادی به عنوان مطالبه خسارات در مرجع قضایی خواهد شد.

### میزان مطالبه دارنده چک

**ماده ۲۱۵:** دارنده چک علاوه بر مبلغ تادیه نشده چک، می‌تواند ارقام زیر را از مسوولان سند مطالبه کند:  
۱- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تادیه نشده. چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی نباشد، خسارت تاخیر تادیه فقط به کسری موجودی تعلق می‌گیرد، حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد.  
۲- هزینه واخواست نامه یا گواهی نامه عدم پرداخت و حق الوکاله و نیز هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.  
**تبصره:** خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود و تعیین می‌گردد. به هر حال، خسارت تاخیر تادیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

**ماده ۲۰۱ لایحه موجب خواهد شد که صدور چک وعده دار منسوخ شود. این امر کاملاً منطقی و منطبق با ماهیت و کیفیت وجودی چک می‌باشد.**

نکات ذیل در این رابطه قابل تذکار می‌باشند:

۱- به صراحت بند ۱ ماده ۲۱۵ لایحه، خسارت تاخیر تادیه به کسری موجودی تعلق می‌گیرد و با توجه به قسمت اول بند ۱ که حاکی از این است که "خسارت تاخیر تادیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تادیه نشده" محاسبه می‌شود، پس کسر موجودی وقتی محقق می‌شود که دارنده چک تمام وجه چک را مطالبه کرده باشد تا در عمل معلوم گردد که موجودی حساب جاری صادرکننده کافی برای پرداخت تمام وجه چک نیست و در نتیجه، خسارت تاخیر تادیه به مبلغ تادیه نشده تا روز پرداخت محاسبه بشود. این که در آخر بند ۱ گفته شده "حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد" دور از ذهن به نظر می‌رسد، زیرا در صورت عدم مطالبه، کسری موجودی چگونه محقق می‌شود تا خسارت تاخیر تادیه به آن تعلق بگیرد؟ اصولاً و عمدتاً دارنده چک تمام وجه چک را مطالبه می‌کند و در صورت کسر موجودی دو حالت اتفاق می‌افتد: اول این که، دارنده از مطالبه صرف نظر می‌کند و موجودی را هم نمی‌گیرد؛ دوم اینکه، موجودی حساب را دریافت می‌کند و برای بقیه آن گواهی نامه عدم پرداخت صادر می‌شود (قسمت آخر ماده ۲۰۷ لایحه). در نتیجه، همانطور که ذکر شد، تحقق کسر موجودی به منظور احتساب خسارت تاخیر تادیه به آن، با مطالبه وجه چک (نه تنها موجودی حساب) حاصل می‌شود که دارنده چک موجودی را می‌گیرد و نسبت به بقیه چک اقدام قانونی به عمل می‌آورد.

۲- لازم است که به بند ۲ عبارت "برطبق تعرفه قانونی" اضافه شود.

**ماده ۲۱۶:** هریک از مسوولان تادیه چک، می‌تواند پرداخت را به تسلیم چک و

سفته یا برات باشد و در دعاوی مستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف، خوانده نمی‌تواند برای تامین خسارات احتمالی خود تقاضای تامین نماید.»

**ماده ۲۱۹:** دادگاه تجارتي نمی‌تواند بدون رضایت صاحب چک، برای تادیه وجه آن مهلت دهد.

**ماده ۲۲۰:** اگر دارنده چک بخواهد از حقی که ماده ۲۱۱ این قانون برای او مقرر داشته است، استفاده کند، باید ظرف یک سال از تاریخ واخواست یا صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند. هریک از ظهرونی‌ها که بخواهد از حقی که در ماده ۲۱ این قانون به او داده شده است، استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوا کند و نسبت به او موعد از فرادای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتي محسوب است و اگر وجه چک را بدون این که علیه او اقامه دعوا شده باشد، تادیه کند، از فرادای روز تادیه محسوب می‌شود.

**ماده ۲۲۱:** دعاوی راجع به چک، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجارتي در محاکم مسموع نخواهد بود.

**تبصره:** مواعد مذکور در ماده ۲۲۰ این قانون از شمول این ماده مستثنا است. در این زمینه به دو نکته اشاره می‌شود:

۱- باید عبارت "واخواست‌نامه" در مواد بالا حذف شود.

۲- در سازمان قضایی کشور، دادگاهی با عنوان "دادگاه تجارتي" وجود ندارد.

البته ماده ۱۰۲۷ لایحه گفته است که رسیدگی به دعاوی موضوع این قانون، در صلاحیت دادگاه تجارتي است. قوه قضاییه مکلف است که لایحه مربوط به آیین دادرسی مخصوص این دادگاه را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون ارایه دهد. تا تشکیل دادگاه تجارتي، دعاوی موضوع این قانون در شعب یا شعبه‌هایی که برای رسیدگی به این دعاوی تخصیص می‌یابد، رسیدگی خواهد شد.

تذکار این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگر اشتباه چاپ نباشد، کلمه "شعبه" صحیح خواهد بود نه "شعب"، زیرا "شعب" و "شعبه‌ها" دارای یک معنا می‌باشند.

### گم‌شدن چک

**ماده ۲۲۳:** مالک چک مفقوده، برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون، باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

یادآور می‌شود که ارسال اظهارنامه از سوی مالک و دارنده چک گم‌شده مستلزم این است که نشانی کامل صادرکننده را بداند تا ابلاغ اظهارنامه میسر باشد. بنابراین، در مواردی که مالک چک مستقیماً با صادرکننده طرف معامله یا آشنا نبوده و چک مع‌الواسطه و با ظهرونی‌سی به او رسیده است، ناگزیر دارنده چک می‌بایست نشانی صادرکننده را از بانک دارنده حساب جاری (بانک محال‌علیه) به دست آورد و به احتمال قوی، بانک محال‌علیه هم از دادن اطلاعات به مراجعه‌کننده خودداری خواهد ورزید. و چه بسا که مالک چک ممکن است مدارکی در اختیار نداشته باشد تا مالک بودن خود را ثابت نماید و مساله ارسال اظهارنامه مواجه با مانع می‌شود. بنابراین، ماده ۲۲۳ می‌بایست از لحاظ تکلیف بانک نسبت به دادن نشانی صادرکننده چک، تکمیل شود، با تذکار این که ماده ۲۲۵ تامین نظر

نمی‌نماید و نمی‌توان صاحب حساب و صادرکننده چک را در عداد مسوولان چک قرار داد. ناگفته نماند که در عرف بانکی، بانک‌ها به هر شخص - اعم از حقیقی یا حقوقی - که صلاحیت و اختیار کسب اطلاع در مورد مشتریان بانک‌ها را ندارد، اطلاعات نمی‌دهند، در نتیجه، از یک طرف، عدم احراز صلاحیت و سمت مالک چک گم‌شده مانع کار خواهد بود و از طرف دیگر، هرگاه هم بانک از شخصی که خود را مالک چک گم‌شده قلمداد می‌کند، مدرکی را مطالبه نکند، دادن اطلاعات به هر مراجعه‌کننده به عنوان مالک چک گم‌شده - همانطور که اشاره شد - با عرف و رسم معمول در بانک‌ها تطبیق نخواهد داشت. اما چون مالک چک گم‌شده به حکم قانون به بانک مراجعه خواهد کرد، لذا اعماض بانک‌ها در مساله عرف و رسم مذکور اصلح به نظر می‌رسد. در این مورد هم دستورالعمل بانک مرکزی ضرورت دارد.

**ماده ۲۲۴:** مالک چک مفقود در صورت عدم توافق با صادرکننده، می‌تواند با اثبات مالکیت خویش بر چک و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتي، الزام صادرکننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ چک به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

نکات قابل‌تذکر درباره ماده ۲۲۳ و این ماده عبارتند از:

۱- کلمه "مفقود" به کلمه "گم‌شده" و "فقدان" به "گم‌شدن" تغییر داده شود.

۲- برداشت و تصور از قسمت اول ماده ۲۲۴ این است که مالکیت و عدم انتقال چک به تشخیص دادگاه خواهد بود، یعنی دو مورد فوق می‌بایست در دادگاه به اثبات برسد. حال اگر غیر از این باشد، اصلاح و تکمیل ماده ضرورت خواهد داشت.

۳- درباره حکم ابطال سند گم‌شده، یعنی چک، دادگاه می‌بایست مکلف باشد که مراتب را به بانک محال‌علیه رسماً و کتباً اعلام نماید تا در صورت ارایه احتمالی چک گم‌شده به بانک، از پرداخت وجه آن خودداری شود.

**ماده ۲۲۵:** مسوولان چک ملزم به ارایه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند در اختیار دارند. در غیر اینصورت، ضامن خسارت وارده‌اند.

در متن ماده ۲۲۷ تصریح شده است که دارنده چک می‌تواند برای وصول تمام طلب خود، یعنی مبلغ چک، خسارت تاخیر و مخارج قانونی آن اقدام کند، در صورتی که در تبصره ۱۰ همین ماده آمده است که دارنده چک در هر حال نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند. مبلغ سند هم فقط اصل وجه چک را شامل می‌شود. این تعارض محتاج توجه و اصلاح است.

در اینجا لازم است تصریح شود که ضامن خسارت وارده به گم‌کننده سند (چک) هستند.

**ماده ۲۲۶:** مبدأ محاسبه خسارت تادیه برای دارنده چک مفقود، زمان ارایه تضمین به صادرکننده است.

در این مورد نکات ذیل قابل‌یادآوری است:

۱- بین کلمات "خسارت" و "تادیه" کلمه "تاخیر" اضافه نمایند.

را به همراه خسارات تادیه از صادرکننده وصول کند. برای صدور اجراییه، دارنده چک باید عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون را به اجرای ثبت اسناد محل تادیه وجه چک یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند. در صورت دریافت جزئی از مبلغ چک از بانک، ارایه گواهی‌نامه عدم پرداخت کافی است. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضا یا مهر و امضای چک با نمونه امضا یا مهر و امضای صادرکننده در بانک، از طرف بانک گواهی شده باشد.

**ماده ۲۲۹:** در صورت مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت، اجراییه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد.

در این مورد نکاتی که به نظر رسیده، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- موضوع صدور اجراییه برای وصول وجه چک براساس مقررات مربوطه به اجرای اسناد رسمی، در ماده ۲ قانون صدور چک فعلی هم پیش‌بینی شده است.

۲- در ماده ۲۲۸ لایحه کلمه "همراه" به کلمه "به اضافه" اصلاح شود، زیرا خسارت تاخیر تادیه با وجه چک همراه نمی‌شود، بلکه به آن اضافه می‌شود.

۳- عبارت "خسارت تادیه" به عبارت "خسارت تاخیر تادیه" اصلاح گردد، زیرا در چک بدون محل منظور از "خسارت" مطلق خسارت نیست، بلکه خسارت تاخیر تادیه است. مضافاً اینکه، تادیه دیگر خسارتی ندارد.

۴- نظر به این که در ماده ۲۲۸ و در مساله صدور اجراییه برای وصول وجه چک، اشاره به مقررات مربوطه به اجرای اسناد رسمی شده است، ذیلاً به چند ماده از آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی اشاره می‌نماید:

ماده ۲۴۵: درخواست اجرای چک از ثبت محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع است، بعمل می‌آید...

این ماده فقط صلاحیت اجرای ثبت محلی را که بانک محل علیه در آن واقع است، قبول نموده، لکن ماده ۲۲۸ لایحه، اجرای ثبت محل تادیه وجه چک (بانک محل علیه) و یا محل اقامت صادرکننده چک را صالح دانسته است. در چک‌های انتقالی، فرضاً ممکن است صاحب حسابی که مقیم شهر "الف" می‌باشد و حساب جاری هم در این شهر دارد، چکی را صادر کند که دارنده چک آن را در شهر "ب" به جریان وصول بگذارد و بخواهد وجه چک را در شهر "ب" دریافت کند. در این حالت، هرگاه چک برگشت بخورد، دارنده چک در محلی چک را به اجرا خواهد گذاشت که صادرکننده مقیم آنجا نیست و از لحاظ تشریفات اجرایی - از قبیل ابلاغ اجراییه و غیره - پاره‌ای مسایل بروز می‌نماید. بنابراین، بهتر است که فقط اجرای ثبت محل اقامت صادرکننده صالح باشد که با موازین قضایی هم انطباق بیشتر دارد.

ماده ۲۵۳ آیین‌نامه اجرا حاکی از اینست که در مورد چک‌های وعده‌دار، اجراییه پس از سررسید صادر خواهد شد. ماده ۲۰۱ لایحه هم می‌گوید که وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود، هرچند که تاریخ موخری به‌عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

مطابق این ماده، قید تاریخ موخر، در واقع، صدور چک وعده‌دار می‌باشد. این چک اگر به بانک ارایه شود، در صورت داشتن محل پرداخت می‌شود، اما اگر بدون محل باشد، به موجب ماده ۲۵۳ آیین‌نامه اجرا، صدور اجراییه از طریق اجرای ثبت موکول به فرارسیدن تاریخ چک، یعنی سررسید می‌شود و در نتیجه، دارنده و ذینفع

۲- به جای کلمه "ارایه" کلمه "دادن" قید نمایند، چون در ماده ۲۲۴ کلمه "دادن" به کاررفته است. توضیح این که "دادن" تضمین" فرق دارد با "ارایه تضمین".

۳- در مواد ۲۲۵ و ۲۲۶ نیز کلمه "فقدان" به "گم شدن" و "مفقود" به "گم شده" تغییر داده شود.

## ورشکستگی مسوولان چک

**ماده ۲۲۷:** در صورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسوولان چک صادر شود، دارنده چک می‌تواند در هیات طلبکاران هریک یا تمامی آنها، برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تاخیر تادیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده چک پرداخت می‌شود، به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبلغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده چک تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که در این صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هرکدام پرداخته‌اند، جزو دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

**تبصره ۱:** در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

**تبصره ۲:** مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسوولیت تضامنی دارند، رعایت می‌شود.

در این باره دو نکته قابل تذکار به نظر رسیده است:

۱- در سطر اول ماده، قبل از عبارت "چند نفر" عبارت "یک یا" اضافه شود، زیرا ممکن است در چک‌هایی که ظهرونیست ندارند، فقط یک نفر، آن هم صادرکننده چک ورشکسته شود.

۲- حالت‌های متفاوتی در مساله ورشکستگی وجود دارد:

- در مورد صادرکننده ممکن است چک در زمان ورشکستگی به حکم قطعی صادر شده باشد و یا در مورد صادرکننده غیرورشکسته، تاریخ ورشکستگی به تاریخ صدور چک تسری داده شود.

- در مورد ظهرونیست‌ها هم که مسوولیت پرداخت دارند، همین وضعیت ممکن است به وجود آید. بنابراین، برای هر موردی می‌بایست حکم خاص آن رعایت و اجرا شود.

## طبق ماده ۲۱۹ لایحه، دادگاه تجارتي نمی‌تواند بدون رضایت

صاحب چک، برای تادیه وجه آن مهلت دهد.

در متن ماده تصریح شده است که دارنده چک برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تاخیر و مخارج قانونی) می‌تواند در هیات طلبکاران داخل شود، در صورتی که در تبصره ۱ آمده است که در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند. مبلغ سند هم فقط اصل وجه چک را شامل می‌شود. این تعارض محتاج توجه و اصلاح است.

## عدم پرداخت وجه چک

**ماده ۲۲۸:** دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن، می‌تواند طبق مقررات مربوطه به اجرای اسناد رسمی، وجه چک



که اداره حقوقی وقت دادگستری هم زمانی این موضوع را تایید کرده است. دوم اینکه، دستور عدم پرداخت وجه چک فقط در موارد مذکور در ماده ۱۴ قانون صدور چک لازم‌الرعایه است. در نتیجه، بانک نمی‌تواند دستور عدم پرداخت خارج از ماده ۱۴ را قبول کند و در موردی هم گفته شده است که قبول دستور، منوط به تأمین وجه چک در حساب جاری صادرکننده چک می‌باشد.

یادآور می‌شود که این موضوع و نظریه‌های موافق و مخالف آن، در بانک‌ها و بانک مرکزی مسیوق به سابقه است که به جهت احتراز از طولانی شدن مطلب، به جزئیات سابقه امر اشاره نمی‌شود. پس با توجه به ماده ۲۳۹ لایحه و تبصره ۴ آن، می‌بایست تصریح شود که دستور عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۳۰ قابل اجرا از طرف بانک نخواهد بود.

در بند ۴ نیز مساله "عمد" مطرح شده است. تشخیص "عمد" با "غیرعمد" و اثبات عمد به عهده کیست؟ حال اگر به هر طریقی معلوم شد که عمدی وجود داشته و بانک هم از پرداخت وجه چک به سبب وجود علل مذکور در ماده ۲۳۰ خودداری کرده است، هرگاه حساب جاری موجودی نداشت، بالطبع ماده ۲۳۱ اجرا می‌شود. ولی اگر حساب موجودی داشت و صاحب حساب تماماً چک را به صورتی تنظیم کرد که بانک از پرداخت وجه آن خودداری کرد و مآلاً موجبات تضییع حق فردی فراهم شد، آیا خود مساله "عمد" مسوولیت - اعم از مدنی و جزایی - برای صادرکننده چک ایجاد نمی‌کند؟

با توجه به وسعت دامنه مسایل گوناگون مربوط به چک که در لایحه تجارت مطرح شده، لازم است که آیین‌نامه اجرایی مناسبی هم برای آن تدوین شود.

**ماده ۲۳۱:** مجازات متخلف از هریک از احکام ماده ۲۳۰ این قانون به قرار زیر است:

الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد، به حبس تا شش ماه و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک‌چهارم تمام وجه چک یا یک‌چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک‌چهارم تمام وجه چک یا یک‌چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد، به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک‌چهارم تمام وجه چک یا یک‌چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته‌چک متناسب با دوره حبس محکوم می‌شود.

تبصره ۱: در صورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در چک‌ها ملاک عمل است.

تبصره ۲: دادگاه تجارت می‌تواند در صورت وجود جهات مخفیه، مطابق مقررات مجازات اسلامی تخفیف قابل شود.

چک مواجه با تاخیر در رسیدن به حق خود خواهد شد. پس ماده ۲۰۱ لایحه می‌بایست مشکلی را که در اجرای ثبت بروز خواهد نمود، حل نماید. بدیهی است که قانون می‌تواند ناسخ آیین‌نامه باشد.

همانطور که گفته شد، ماده ۲۲۹ لایحه، دایر بر آن است که در صورت مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت، اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد. قابل ذکر است که این موضوع در محتوای مواد ۲۴۵ تا ۲۵۴ آیین‌نامه اجرا وجود ندارد. ضمناً باید توجه داشت که به موجب ماده ۲۵۲ آیین‌نامه اجرا، در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسوول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار، اجرائیه علیه آنها براساس تضامن صادر می‌شود.

### مقررات جزایی مربوط به چک

**ماده ۲۳۰:** صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل وجه چک در بانک محال علیه محل داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید به عمد چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به دلیل عدم مطابقت امضا یا مهر و امضاء، قلم خوردگی در متن چک و اختلاف در مندرجات چک، از پرداخت وجه چک خودداری کند.

ماده فوق با تفاوت‌هایی در ماده ۳ قانون صدور چک فعلی هم وجود دارد و پیام‌های آن چنین است:

۱- صادرکننده باید در تاریخ صدور، معادل وجه چک در بانک موجودی داشته باشد.

۲- صادرکننده نباید تمام یا قسمتی از وجه چک را به صورتی از بانک خارج نماید.

۳- صادرکننده نباید دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد.

۴- صادرکننده نباید چک را به عمد به صورتی تنظیم کند که بانک از پرداخت وجه آن خودداری کند.

ماده ۲۳۱ لایحه هم مجازات متخلف از هریک از احکام ماده ۲۳۰ را ذیل بندهای "الف"، "ب" و "ج" مشخص کرده است که جملگی فقط ناظر به چک بی‌محل می‌باشند، در صورتی که غیر از بند ۲ فوق که ضمانت اجرایی آن با توجه به این که چک بدون محل خواهد بود، همان ماده ۲۳۱ می‌تواند باشد، لیکن بندهای ۱ و ۳ و ۴ نیاز به حکم و ضمانت اجرایی خاص خود دارند، به این معنی وقتی که صادرکننده مکلف شده است که در تاریخ صدور چک موجودی در بانک داشته باشد، هرگاه در تاریخ صدور موجودی نداشت، ولی حساب جاری در تاریخ ارایه به بانک موجودی داشت، طبیعی است که چک بدون محل نخواهد بود تا مطابق ماده ۲۳۱ مجازات اعمال شود، ولی این که صادرکننده حکم قانون را اجرا نکرده و در واقع، چک در تاریخ صدور محل نداشت، آیا ضمانت اجرایی خاصی در این مورد ضرورت ندارد؟ ضمانت اجرایی بند ۲ که مآلاً چک بدون محل خواهد بود (تمام یا قسمتی از آن) ماده ۲۳۱ است. بند ۳ هم صادرکننده را از دادن دستور عدم پرداخت چک به بانک منع کرده است. این موضوع در ماده ۳ قانون صدور چک فعلی هم وجود دارد. در حال حاضر، دو نظریه متفاوت در این باره موجود است:

اول اینکه، دستور صاحب حساب برای بانک محال علیه لازم‌الرعایه می‌باشد

در این مورد توضیحات زیر به نظر رسیده است:

۱- ماده ۷ قانون صدور چک فعلی، مجازات صدور چک بدون محل را پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۳۱ لایحه مجازات را تشدید کرده که قابل توجیه است، چون ممکن است تعداد صدور چک‌های بی‌محل را کاهش دهد.

۲- در بندهای "الف"، "ب" و "ج" لازم است که کلمه "متناسب" به کلمه "معادل" اصلاح شود، چون اگر منظور این باشد که صاحب حساب در مدت یا دوره حبس ممنوع از داشتن چک باشد، کلمه "متناسب" این معنا را نمی‌رساند.

۳- درباره موضوع ممنوعیت از داشتن دسته‌چک لازم به تذکار است که ممکن است صاحب حساب برگ‌های دسته‌چک قبلی و قبل از صدور چک بدون محل را در اختیار داشته باشد و باز هم چک صادر نماید. پس برای رفع این اشکال، به جای

گفتن محرومیت از داشتن دسته‌چک، باید بانک‌ها را به موجب همین قانون مکلف کرد که در صورت ارایه چک مربوط به این حساب‌ها، بانک‌ها از پرداخت وجه آن خودداری نمایند. لزوم قید این نکته در قانون هم از لحاظ اطلاع عموم از قانون است

تا ذینفع چک بدانند که عدم پرداخت وجه چک به حکم قانون است. ضمناً بانک هم از قبل باید از محکومیت صاحب حساب مطلع باشد که چنین شخص یا اشخاصی

حق صدور چک ظرف مدت معینی را ندارند. ضمناً هرگاه صاحب حساب مطالبه دسته‌چک بنماید، بانک از دادن آن امتناع نماید تا دوره حبس سپری شود. علاوه بر

این، یادآور می‌شود که ممکن است صاحب حساب به تاریخ قبل از محکومیت قطعی به جرم صدور چک بدون محل، چک یا چک‌هایی را صادر کرده باشد که بعد از

اطلاع بانک از ممنوعیت صدور چک، به بانک ارایه شود. این نوع چک‌ها به استناد اصل عطف به ماسبق‌نشدن قانون، در صورت داشتن محل قابل پرداخت خواهند

بود. به طور کلی، جزییات ماده ۲۳۱ نیاز به دستورالعمل بانک مرکزی دارد.

### عدم تعقیب کیفری

درباره ماده ۲۳۱ لازم به تذکار است که این ماده را نباید به ماده ۲۳۰ مرتبط کرد. ماده ۲۳۱ می‌بایست مستقلاً بیان‌کننده مجازات صادرکنندگان چک‌های بی‌محل باشد، همانطور که ماده ۷ قانون صدور چک فعلی هم فقط مجازات ارتکاب به بزه صدور چک بلامحل را تعیین کرده و به ماده دیگر مرتبط نشده است.

### صدور چک عهده حساب جاری بسته

**ماده ۲۳۲:** هرکس با علم به بسته‌بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک کند، به حداکثر مجازات مندرج در بندهای ماده ۲۳۱ این قانون حسب مورد محکوم خواهد شد.

این موضوع به شکلی در ماده ۱۰ قانون صدور چک فعلی هم وجود دارد. قابل توجه است که مجازات صدور چک عهده حساب بسته، منوط به علم صاحب

حساب از بسته‌شدن حساب جاری خود می‌باشد. بسته‌شدن حساب هم ممکن است از دو طریق به وقوع بپیوندد: یکی، به دستور مراجع قضایی یا احياناً دیگر مراجع

ذیصلاح؛ دیگری، اقدام بانک به استناد شرایط عمومی حساب جاری که قبلاً با مشتری توافق شده است. در هر دو حالت، صاحب حساب می‌بایست به طور مستند

از بسته‌بودن حساب جاری خود در بانک مطلع شده باشد تا احراز عالم‌بودن میسر باشد. بنابراین، ماده ۲۳۲ از این لحاظ می‌بایست تکمیل شود، البته جزییات

موضوع هم نیاز به دستورالعمل بانک مرکزی دارد.

به طور کلی، مساله چک طرح‌شده در لایحه تجارت، با توجه به وسیع‌بودن مفاد آن به این معنی که قانون صدور چک مشتمل بر ۲۳ ماده، تبدیل به حدود ۷۸ ماده

در لایحه تجارت شده است، نیاز به آیین‌نامه اجرایی دارد و تدوین آن هم می‌بایست در لایحه پیش‌بینی بشود.

### با اجرای قانون جدید تجارت، مفاد بسیاری از قوانین اقتصادی قبلی مانند قانون کار، قانون بورس، قانون فعالیت‌های پولی و بانکی، قانون نظام صنفی و... با قانون جدید مطابقت خواهند یافت.

۴- کلمه "متن" در بندهای "الف"، "ب" و "ج" زاید است، زیرا طبعاً چک دارای مبلغ است و آن هم در محل مخصوص خود نوشته می‌شود، لهذا متن و غیرمتن وجود ندارد.

۵- در مورد تبصره ۱ ماده ۲۳۱ لایحه یادآور می‌شود که مشابه این تبصره، ذیل بند "ج" ماده ۷ قانون صدور چک فعلی هم وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که در

مورد چک‌های بی‌محل، مجموع مبالغ چک‌ها مطرح نیست، زیرا بندهای "الف"، "ب" و "ج" ماده ۲۳۱ تکلیف کار را مشخص کرده است. فرضاً در محدوده بند "الف"

یعنی چک کمتر از ده میلیون ریال، هر چکی که زیر این مبلغ باشد، صادرکننده‌اش مستوجب کیفر است، اما هرگاه منظور از تبصره ۱ این باشد که فرضاً در محدوده

بند "الف" هرگاه مجموع مبالغ چک‌ها به ده میلیون ریال رسید، صادرکننده قابل تعقیب باشد، این نقض‌غرض خواهد بود، با تذکار اینکه ماده ۲۴۵ لایحه یک

بار صدور چک بی‌محل را مشمول مسدودشدن حساب و عدم افتتاح حساب تا سه سال به نام همان شخص دانسته است. بنابراین، حذف تبصره ۱ اصلاح به نظر

می‌رسد.

**ماده ۲۳۳:** در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال‌علیه فراهم کند، قابل تعقیب کیفری نیست.

در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

موضوع فوق با تفاوت‌هایی در ماده ۹ قانون صدور چک فعلی وجود دارد. با توجه به این که ظهرنویس هم مسوولیت در پرداخت وجه چک دارد، شایسته است

که پرداخت وجه چک توسط وی نیز موجبات عدم تعقیب کیفری صادرکننده را فراهم نماید.

درباره فراهم‌نمودن موجبات پرداخت وجه چک در بانک، می‌بایست تصریح شود که وجه تامین‌شده خاص همان چک است و قابل‌تامین و بازداشت به نفع ثالث

به عنوان موجودی حساب صاحب حساب نیست و پرداخت وجه چک دیگر هم از آن محل امکان ندارد.

**ماده ۲۳۴:** هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند، یا متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه

چک و خسارات مذکور را فراهم آورد، یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه داده است. برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند.

فرقی که این ماده با ماده ۱۱ قانون صدور چک فعلی دارد، این است که شش ماه اول ماده ۱۱ در ماده ۲۳۶ لایحه به نود روز تقلیل یافته است و عبارت "تاریخ صدور چک" در ماده ۱۱ به "تاریخ مندرج چک" یا "مندرج در چک" تغییر داده شده است که هر دو تغییر مشکل حقوقی ندارد.

**ماده ۲۳۷:** شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به وی منتقل گردیده است، حق شکایت کیفری ندارد، مگر آن که انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار کند، تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. در این صورت، بانک گواهی‌نامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ می‌ماند.

یادآور می‌شود که مراتب بالا به ترتیب دیگری در ماده ۱۱ و تبصره قانون صدور چک فعلی وجود دارد و اشکالی هم بر آن وارد نیست.

■ ■ ■

**در قالب قانون جدید تجارت، فعالیت اقتصادی مشاغل مانند  
اعضای شورای شهر، اعضای هیات‌مدیره و مدیران عامل بانکها،  
اعضای هیات‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی، شهرداران،  
فرمانداران، معاونان و مشاوران بانک مرکزی و... ممنوع  
خواهد شد.**

■ ■ ■

### عدم تعقیب کیفری صادرکننده چک

**ماده ۲۳۸:** در موارد زیر صادرکننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

- ۱- هرگاه در متن چک وصول وجه آن به تحقق شرطی منوط شده باشد.
- ۲- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ۳- هرگاه بدون قید در متن چک، ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ۴- در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

اشخاصی که وقوف لازم به مسایل چک در ادوار مختلف تقنینیه دارند، مستحضر می‌باشند که چک‌های چهارگانه فوق زمانی قابلیت تعقیب کیفری داشته‌اند و زمانی نداشته‌اند. در حال حاضر هم به موجب ماده ۱۳ قانون صدور چک و پس از جروبحث‌هایی که درباره این چک‌ها وجود داشت، نهایتاً عدم تعقیب کیفری مورد تصویب قرار گرفت. اما نویسنده فارغ از موضوع تعقیب و عدم تعقیب

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

محکوم‌علیه ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک‌چهارم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

مراتب بالا در قسمت اول ماده ۱۲ قانون صدور چک فعلی هم وجود دارد، با این تفاوت که درباره خسارت تاخیر تادیه، مبدأ زمانی مشخصی برای احتساب خسارت تعیین شده است که عبارت است از "تاریخ ارایه چک به بانک". این قید موجب سهولت احتساب خسارت تاخیر تادیه می‌شود.

نکته دیگر اینکه، عبارت "سایر خسارات" در ماده ۲۳۴ لایحه دارای ابهام است و دست دارنده چک را بازمی‌گذارد که هر موضوعی را که به نظرش برسد، به عنوان خسارت مطرح کند. گرچه النهایه موضوع در دادگاه رسیدگی می‌شود و خسارت می‌بایست ثابت گردد، اما چه بسا که موجبات طرح موضوع‌های بی‌ربط در دادگاه فراهم شده و اتلاف وقت دادگاه را سبب می‌شود.

جزای نقدی مندرج در قسمت آخر ماده ۲۳۴، در قسمت اول ماده ۱۲ قانون صدور چک وجود ندارد.

**ماده ۲۳۵:** هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند، یا محکوم‌علیه به ترتیب مذکور در ماده ۲۳۴ این قانون موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تاخیر و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم‌علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک‌دوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

مراتب بالا در قسمت دوم ماده ۱۲ قانون صدور چک پیش‌بینی شده است، الا این که در ماده مذکور یک‌سوم جزای نقدی مقرر در حکم به نفع دولت وصول می‌شود.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه اشکالی دارد که پرداخت مسوول یا سایر مسوولان چک، غیر از صادرکننده هم موجبات مذکور در مواد ۲۳۴ و ۲۳۵ لایحه را فراهم نماید؟

### خسارت عدم پرداخت وجه چک

**تبصره ماده ۲۳۵:** دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارده که مستقیماً و به طور متعارف برای وصول چک خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تجارتي تقاضا کند. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه تجارتي صادرکننده حکم تقدیم کند.

یادآور می‌شود که قبلاً در بخش مربوط به میزان مطالبه دارنده چک، توضیحات کافی در این زمینه داده شده است.

### شکایت کیفری

**ماده ۲۳۶:** جرایم مذکور در ماده ۲۳۱ این قانون، بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست. در صورتی که دارنده چک تا نود روز از تاریخ مندرج چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه (۱۸۰ روز) از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

کیفری، نظر دیگری درباره این مساله دارد که به استحضار خوانندگان محترم می‌رسد:

ماه ۱۷۲ لایحه در تعریف چک گفته است: چک سندی است که به موجب آن، صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت و به دیگری واگذار می‌کند. ماده ۳۱۰ قانون تجارت فعلی هم حاکی از این است که: چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.

بنابراین، برطبق هر دو تعریف، چک هم وسیله دریافت است (در مورد صاحب حساب) و هم وسیله پرداخت (در مورد شخص ثالث). پس فرضاً اگر بگوییم که در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرط باشد، یا در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است، در این صورت، اصلاً این نوشته یا سند دیگر چک نیست. چک جای نوشتن شرط و شروط یا مطالب دیگر نیست. توافقات و یا شرایط معامله بین اشخاص می‌بایست در مدارک و مستندات خارج از چک منعکس شود. پس لازم می‌آید که قانون صادرکننده را مکلف نماید که چک را فقط همانطور که ماده ۱۷۳ لایحه مشخص کرده است، صادر کند و بانک هم مکلف باشد که از پرداخت وجه هر چکی که خارج از مندرجات مذکور در ماده ۱۷۳ به بانک ارایه شد، خودداری نماید تا چک از حالت و شکل و طبیعت خاص خود که وسیله پرداخت است، خارج نشود. چک، سند و ابزار و جایگاه معامله نیست. بنابراین، حذف ماده ۲۲۸ را پیشنهاد می‌نماید.

#### در قانون جدید، فعالیت‌های تجاری بر مبنای اقتصاد نوین طبقه‌بندی شده و با کنوانسیون‌های بین‌المللی سازگاری یافته است.

#### موارد عدم‌پرداخت وجه چک

**ماده ۲۳۹:** صادرکننده چک یا دارنده یا قائم‌مقام قانونی آنها، با تصریح به این که چک مفقود، سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده است، می‌تواند کتباً دستور عدم‌پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک به بانک، گواهی عدم‌پرداخت را با ذکر علت اعلام‌شده صادر می‌کند.

دارنده چک می‌تواند علیه شخصی که دستور عدم‌پرداخت داده، شکایت کند و هرگاه ادعایی که موجب عدم‌پرداخت شده ثابت نشود، در صورت اثبات سوءنیت، دستوردهنده به مجازات مقرر در ماده ۲۳۱ این قانون محکوم خواهد شد.

**تبصره ۱:** دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، حداکثر ظرف مدت یک هفته برای اخذ دستور موقت به مرجع قضایی مراجعه و گواهی آن را به بانک ارایه کند. در غیر اینصورت، پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند. در مورد چک مفقودی لازم است مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد.

**تبصره ۲:** در موردی که دستور عدم‌پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود، بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف

دستوردهنده، در حساب مسدودی نگهداری کند.

**تبصره ۳:** پرداخت چک‌هایی را که بانک‌ها عهده خود صادر می‌کنند - به استثنای چک‌هایی که بانک در وجه شخص معین عهده خود صادر کرده و مفقود شده است - نمی‌توان متوقف کرد، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل کند. در هر حال، دادگاه تجارتي می‌تواند دستور توقف را صادر کند.

**تبصره ۴:** جز در موارد مقرر در این ماده یا امر دادگاه تجارتي، بانک به دستور عدم‌پرداخت ترتیب‌اثر نمی‌دهد.

در این رابطه نکاتی به نظر رسیده که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

۱- موضوع صدور دستور عدم‌پرداخت وجه چک به جهات مذکور در متن ماده ۲۳۹ لایحه، با تفاوت‌هایی، در ماده ۱۴ قانون صدور چک وجود دارد. تفاوت‌ها عبارتند از اولاً، کلمه "ذینفع". همچنین قسمت اول تبصره ۱ ماده ۱۴ در ماده ۲۳۹ لایحه حذف شده است که ایرادی ندارد، زیرا کلمه "ذینفع" در اول ماده ۱۴ نوشته شده و بعد در قسمت اول تبصره ۱ توضیح داده شده است که عبارتست از کسی که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار شده یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده است. مجموع این تعریف‌ها همان دارنده چک می‌باشد که در مقدمه ماده ۲۳۹ لایحه آمده است. بنابراین، حذف کلمه "ذینفع" و تعریف آن منطقی به نظر رسید؛ ثانیاً، در ماده ۲۳۹ "اثبات سوءنیت" اضافه شده است که به نظر می‌رسد مورد ندارد، زیرا متهم‌نمودن شخصی به سرقت، جعل، کلاهبرداری و خیانت در امانت خود مستقلاً از لحاظ مقررات کیفری قابل‌رسیدگی است. پس وجود یا عدم‌سوءنیت نباید در عواقب متهم‌نمودن شخصی به ارتکاب جرایم شمرده شده در ماده ۲۳۹ تأثیری داشته باشد. دور از ذهن است که شخصی از طرف شخص دیگری متهم به ارتکاب جرم مستوجب کیفر بشود و بعد گفته شود که چون سوءنیت نداشته، معاف از مجازات است.

۲- مفقودشدن چک که هم در قانون فعلی و هم در لایحه به آن اشاره شده است، جرم نیست که در عداد جرایم مذکور در ماده ۲۳۹ قلمداد گردد. احکامی درباره چک گم‌شده در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ لایحه وجود دارد که البته خاص مالک چک یا همان دارنده چک است، اما چون در ماده ۲۳۹ لایحه، صادرکننده چک هم در صورت گم‌شدن آن تابع مقررات مذکور در ماده ۲۳۹ شده است، بنابراین، با خارج کردن گم‌شدن چک از ماده مذکور، برای صاحب حساب (صادرکننده) می‌بایست احکام خاصی در نظر گرفته شود.

لازم به یادآوری است که چکی که صاحب حساب آن را گم می‌کند، دو صورت دارد: ۱) برگ یا برگ‌های چک را قبل از صدور که فاقد مندرجات لازم در چک می‌باشد، گم می‌کند، ۲) چک یا چک‌های صادرشده در وجه حامل یا شخص معین را قبل از تسلیم به ذینفع گم می‌کند.

۳- در مورد عدم‌اثبات ادعایی که موجب پرداخت‌نشدن چک شده است، ماده ۲۳۹ مجازات مقرر در ماده ۲۳۱ و ماده ۱۴ مجازات مقرر در ماده ۷ را که هر دو مجازات صدور چک بی‌محل هستند، تعیین نموده است. با تذکار این که ماده ۱۴ خسارت وارده به دارنده چک را هم اضافه دارد. به نظر نویسنده، صدور چک بی‌محل، هم در قانون فعلی و هم در لایحه مجازات خاص خود را دارد، اما ثابت‌نشدن ادعای سرقت، جعل، کلاهبرداری، و خیانت در امانت... مصداق صدور چک بی‌محل نیست و می‌بایست تابع مقررات کیفری باشد. وقتی که تبصره ۱ ماده ۱۴ و تبصره ۲ ماده ۲۳۹ حکم می‌کند که وجه چک می‌بایست در حساب مسدودی

جامعه مسبوق به سابقه بوده و حاوی نظریه قوه قضاییه هم می‌باشد، کاملتر است. تبصره ۳ ماده ۲۳۹ چک‌هایی را که بانک‌ها در وجه شخص معین، عهده خود صادر می‌کنند و مفقود می‌شوند، از شمول عدم توقیف پرداخت خارج کرده است، که دلیل آن به نظر نرسید.

۸- روشن نیست که منظور تبصره ۴ ماده ۲۳۹ لایحه، مربوط به مقدمه ماده ۲۳۹ (تحصیل چک از طریق ارتکاب جرم) می‌باشد یا چک‌های موضوع تبصره ۳؟  
ماده ۲۴۰: وجود چک در دست صادرکننده، اماره پرداخت وجه آن است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۷ قانون فعلی صدور چک چنین است: «وجود چک در دست صادرکننده، دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است، مگر این که خلاف این امر ثابت گردد.»

### ماده ۲۰۱ لایحه مقرر می‌دارد که وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود، هر چند که تاریخ موخری به عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

آنچه در این رابطه به نظر رسیده است، به شرح ذیل می‌باشد.

ماده ۱۷ قانون صدور چک، وجود چک در دست صادرکننده را دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت قلمداد کرده و ماده ۲۴۰ لایحه، وجود چک در دست صادرکننده را اماره پرداخت وجه آن به دارنده چک دانسته است. دو تفاوت بین این دو ماده وجود دارد: اول اینکه، ماده ۲۴۰ کلمه "اماره" را به کار برده که برطبق ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی، اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانونی یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود، اما ماده ۱۷ کلمه "دلیل" را آورده است. با عنایت به این که "اوضاع و احوال" النهایه منتهی به "دلیل" می‌شود، به نظر می‌رسد که در این مورد نظر ماده ۱۷ صائب است؛ دوم اینکه، ماده ۱۷، انصراف شاکی از شکایت را به پرداخت وجه چک اضافه کرده است که به نظر می‌رسد انصراف شاکی از شکایت تشریفاتی دارد که باید انجام یابد. بنابراین، به ضرس قاطع نمی‌توان گفت که وجود چک در دست صادرکننده، انصراف شاکی از شکایت است. با توجه به اینکه در هر دو ماده به امکان اثبات خلاف امر اشاره شده، به نظر می‌رسد که اصولاً، درج چنین ماده‌ای در قانون ضرورت نداشته و ندارد، زیرا پایه و اساس این که وجود چک در دست صادرکننده اماره یا دلیل پرداخت وجه آن به دارنده چک می‌باشد، با توجه به امکان اثبات خلاف آن که نیاز به رسیدگی مرجع قضایی دارد، سست می‌باشد. در هر حال، امکان این وجود دارد که دارنده چک، بودن چک در دست صادرکننده را دلیل یا اماره دریافت وجه آن از صادرکننده نداند و به شکایت خود ادامه دهد و اگر شکایت نکرده است، شکایت نماید و در مجموع، قضیه می‌بایست در مرجع قضایی حل و فصل شود. پس چه بهتر که چک را وارد جروبحث ماده ۲۴۰ ننماییم.

### امضای چک به وکالت یا به نمایندگی

ماده ۲۴۱: در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب - اعم از شخص حقیقی یا حقوقی - صادر شده باشد، امضاکننده چک طبق مقررات

در بانک نگهداری شود، اجرای مجازات صدور چک بی‌محل در هر دو قانون در مورد چکی که وجه آن در بانک مسدود شده است، بی‌معناست و ماده ۲۳۹ لایحه می‌بایست از این حیث اصلاح شود.

۴- عبارت "جرایم دیگر" که هم در ماده ۱۴ و هم در ماده ۲۳۹ وجود دارد، دارای ابهام است. تشخیص این که عمل اتفاق افتاده غیر از سرقت، جعل، کلاهبرداری، خیانت در امانت جرم می‌باشد یا نه، با بانک نیست. بنابراین، اعلام‌کننده (صادرکننده، دارنده چک، قائم‌مقام قانونی) می‌بایست در اعلام کتبی خود نوع جرم دیگر را مشخص و تعیین نمایند.

۵- با توجه به این که در تبصره ۲ ذکر شده است که بانک باید وجه چک را در حساب مسدودی نگهداری کند و اصولاً با توجه به مقدمه ماده ۲۳۹ وقتی که دستور عدم پرداخت به بانک داده می‌شود، در واقع، حساب جاری دارای موجودی است که اگر غیر از این باشد، دستور عدم پرداخت بی‌معنا خواهد بود، اما چه اشکالی دارد که اگر در تاریخ صدور دستور عدم پرداخت از طرف صادرکننده، چک مورد بحث محل نداشت، صاحب حساب مجاز باشد وجه چک را در بانک تامین کند تا بانک بتواند آن را در حساب مسدودی نگهداری کند. بدین ترتیب، اگر ادعایی که موجب عدم پرداخت چک شده است، به اثبات نرسید، چک بدون محل و صادرکننده آن مستوجب کیفر نخواهد بود.

۶- در تبصره ۱ گفته شده است که در مورد چک مفقودی باید مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد. این امر ضرورتی ندارد و معلوم نیست که مرجع انتظامی چه وظیفه و تکلیفی در مقابل اعلام گم‌شدن چک دارد؟

۷- در تبصره ۲ ماده ۱۴ مهلتی برای شکایت به مرجع قضایی پس از اعلام به بانک مشخص نشده است، اما تبصره ۱ ماده ۲۳۹ مدت تعیین کرده و تصریح به اخذ دستور موقت از مرجع قضایی نموده است که محتاج اصلاح و تغییر مناسبی می‌باشد.

تبصره ۳ ماده ۱۴ حاکی از آن است که پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوقف نمود، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید... قوه قضاییه هم یک بار طی بخشنامه شماره ۱/۷۷/۲۱۱۴ مورخ ۷۷/۳/۹ و یک بار دیگر در سال ۱۳۸۰ بخشنامه‌ای را خطاب به مراجع قضایی صادر کرده که حاکی از جلب توجه قضات به تبصره ۳ ماده ۱۴ می‌باشد. در بخشنامه سال ۱۳۸۰ تصریح شده است که قانونگذار چک‌های تضمین شده و مسافرتی را از شمول قاعده کلی صدر ماده ۱۴ خارج کرده است. همچنین گفته شده است که قضات در رسیدگی ادعای شکایت مبنی بر مفقود شدن یا سرقت یا خیانت در امانت، کلاهبرداری یا جرایم دیگر مربوط به چک‌های تضمین شده یا مسافرتی، دقیقاً مفاد تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون مرقوم را مورد لحاظ قرار دهند تا اعتماد مردم نسبت به چک‌های صادره از بانک‌ها و اعتبار اینگونه چک‌ها متزلزل نشود.

در لایحه تجارت، چک‌های تضمین شده و مسافرتی حذف شده است که صحیح به نظر نمی‌رسد و به جای آن احتمالاً خواسته‌اند که از تبصره ۳ ماده ۲۳۹ استفاده بشود. پرداخت چک‌هایی را که بانک‌ها عهده خود صادر می‌کنند که مصادیق آن چک‌های تضمین شده و مسافرتی هستند، نمی‌توان متوقف کرد، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل کند. ضمناً به دادگاه هم اجازه صدور دستور توقف پرداخت داده شده است. در نتیجه، قانون فعلی درباره چک‌هایی که بانک‌ها عهده خود صادر می‌کنند (تضمین شده و مسافرتی) و در سیستم بانکی و

که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب، متضامناً مسوول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار، اجراییه علیه آنها براساس تضامن صادر می‌شود.»

**ماده ۲۴۲:** در صورتی که به متهم دسترسی نباشد، ابلاغ به آخرین نشانی متهم در بانک محل‌علیه به عمل می‌آید. هرگاه متهم در این نشانی شناخته نشود، یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مامور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

این ماده ترتیب خاصی را برای رسیدگی به اتهام پیش‌بینی کرده است که البته چون به صورت قانون درمی‌آید، در مورد چک قابل اجرا خواهد بود.

**ماده ۱۶** قانون صدور چک مقرر داشته است که رسیدگی به کلیه شکایات در دعاوی جزایی و حقوقی مرتبط با چک، در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. اما چنین حکمی در مقررات مربوط به چک در لایحه وجود ندارد. از لحاظ این که چک اهمیت و اعتبار و موقعیت بهتری داشته باشد، پیش‌بینی مراتب بالا در لایحه خالی از فایده نیست. علاوه بر این، ماده ۱۸ قانون صدور چک موضوع صدور قرار تامین درباره جرایم مربوط به چک بلامحل را مطرح کرده است، اما ماده ۲۱۸ لایحه مربوط به اقامه دعواست که پیش‌بینی آن هم در لایحه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین ماده ۱۵ مبنی بر مطالبه ضرر و زیان در دادگاه کیفری، موجب سهولت رسیدن دارنده چک به حق خود می‌شود.

**ماده ۲۴۳:** بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی‌های صاحب حساب و شغل صاحب حساب، دقت متعارف را اعمال کند. در غیر اینصورت، ضامن خسارت وارده به دارنده چک خواهد بود.

مسوول شناخته‌شدن بانک در صورت عدم اعمال دقت ایرادی ندارد، اما تغییر این ماده به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

**ماده ۲۴۳ پیشنهادی:** بانک مکلف است موقع افتتاح حساب جاری، نسبت به صحت هویت صاحب حساب با ملاحظه مدارک و مستندات رسمی نشاندهنده هویت، همچنین نشانی یا نشانی‌های صاحب حساب با ملاحظه مدارک مستند، و شغل صاحب حساب، دقت متعارف را اعمال کند. در صورت ادعای دارنده چک مبنی بر ورود خسارت به او به سبب عدم اعمال دقت بانک و اثبات آن در دادگاه، بانک مسوول خسارت وارده به موجب حکم قطعی مرجع قضایی خواهد بود.

**ماده ۲۴۴:** بانک مکلف است در قرارداد افتتاح حساب جاری با مشتریان، تمهیدات لازم را برای حصول اطمینان از استرداد اوراق دسته‌چک داده‌شده به مشتری پس از بسته‌شدن حساب وی، پیش‌بینی کند.

این موضوع دارای اهمیت است، چون چه در حالت ممنوع‌بودن صاحب حساب از صدور چک و چه در حالت بسته‌بودن حساب جاری، اصولاً تکلیف ممنوعیت از صدور چک را می‌بایست به عهده صاحب حساب گذاشت. علاوه بر این، ماده ۲۴۴ بانک را مکلف به پیش‌بینی تمهیدات در قرارداد افتتاح حساب جاری کرده است، در حالی که برای افتتاح حساب جاری قراردادی منعقد نمی‌شود و مشتری فقط شرایط عمومی حساب جاری را امضا می‌کند. پس موضوع دارای ابهام است و متن اصلاحی به شرح ذیل به جای آن پیشنهاد می‌شود:

**ماده ۲۴۴ پیشنهادی:** در مواردی که به هر علتی حساب جاری مشتری در بانک بسته شده است، صاحب حساب مکلف است برگ‌های دسته‌چک استفاده‌نشده را فوراً به بانک مسترد نماید. در صورت تخلف و استفاده از این چک‌ها

این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت، مگر این که ثابت کند عدم‌پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت، کسی که موجب عدم‌پرداخت شده، از نظر کیفری مسوول خواهد بود.

مورد بالا در ماده ۱۹ قانون صدور چک به صورت متفاوتی وجود دارد. نکات موردنظر در این زمینه در دو بخش توضیح داده می‌شوند. در بخش اول مطالبی است که مربوط به ماده ۲۴۱ لایحه می‌شود:

۱- ماده ۲۴۱ بدون مقدمه قبلی می‌گوید «امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت.» تا این ماده در جایی گفته نشده که چنین شخصی مسوولیت کیفری دارد، بلکه در صورتی مسوولیت کیفری خواهد داشت که چک بدون محل باشد. گرچه بعداً به عدم‌پرداخت وجه چک اشاره شده است، اما از لحاظ قانون‌نویسی باید قبلاً تصریح شود که در صورت بدون‌محل‌بودن چک، امضاکننده‌اش مسوولیت کیفری خواهد داشت.

۲- درباره قسمت آخر ماده ۲۴۱ یادآور می‌شود که «عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی» به این شکل می‌تواند باشد که «صاحب حساب یا وکیل بعدی با صدور چک یا چک‌هایی و قبل از ارایه چک یا چک‌های قبلی صادره توسط صاحب حساب یا وکیل به بانک، موجبات کاهش موجودی حساب را فراهم نموده باشند که در نتیجه، چک یا چک‌های قبلی بدون‌محل گردند.» ناگفته نماند که هرگاه صاحب حساب در ضمن تفویض وکالت، عدم‌مباشرت خود را شرط کرده باشد، اصولاً نباید چنین عملی از ناحیه صاحب حساب اتفاق بیفتد. از طرف دیگر، به موجب ماده ۶۸۳ قانون مدنی، هرگاه موکل عملی را که مورد وکالت است، خود انجام دهد، وکالت فسخ می‌شود. یادآور می‌شود که این قسمت در حد یک تحلیل حقوقی بود که به نوشته حاضر اضافه شد.

۳- این که در آخر ماده ۲۴۱ گفته شده «از نظر کیفری مسوول خواهد بود» دارای ابهام است. اگر منظور از کیفر، ماده ۲۳۱ لایحه (مجازات صدور چک بی‌محل) می‌باشد، می‌بایست بدان تصریح شود. و اگر غیر از این باشد، نیاز به تعیین مجازات چنین شخص یا اشخاصی دارد.

#### هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، این ظهرنویس علاوه بر جبران خسارت وارده به ظهرنویس ماقبل خود و دارنده چک، به جزای نقدی هم محکوم خواهد شد.

در بخش دوم آنچه مربوط به ماده ۱۹ قانون صدور چک می‌شود، به شرح ذیل است:

۱- ماده ۱۹ صادرکننده چک و صاحب حساب را متضامناً مسوول پرداخت وجه قلمداد نموده و گفته است که اجراییه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. اما ماده ۲۴۱ فاقد این مطلب می‌باشد و فقط به مسوول‌شناختن صادرکننده چک، آن هم از جنبه کیفری اکتفا نموده است. البته ماده ۱۹ برای امضاکننده چک مسوولیت کیفری قایل شده که آن هم دارای ابهام است. کیفر چنین شخصی چیست؟ علاوه بر این، تصریح نشده است که در صورت بدون‌محل‌بودن چک، مجازات اعمال می‌شود.

ماده ۲۵۲ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی چنین حکم می‌کند: «در صورتی

داشتند، بانک را در مقابل خساراتی که در اثر عملیانش متوجه مشتریان می‌شود، مسوول و متعهد جبران قلمداد نموده است. ماده ۴۴ همین قانون نیز اختیاراتی را به بانک مرکزی در مورد بانک‌های متخلف تفویض کرده است، الزامیه بانک‌ها به عنوان اشخاص حقوقی نمی‌توانند از سلطه قوانین عمومی خارج باشند. بنابراین، وجود ماده ۲۴۶ بدون شک و به یقین موجب طرح ادعاهای فراوان و گوناگون علیه بانک‌های کشور خواهد شد و باعث بی‌اعتمادی جامعه به سیستم بانکی کشور می‌شود. هرکس به تشخیص خود می‌تواند ادعا نماید که بانک قوانین و مقررات مربوط به چک را رعایت نکرده است، ولو اینکه بعداً در مرجع قضایی برای اثبات زیان وارده به خود، به نتیجه مثبت نرسد. در شرایطی که در واقع بانک‌ها متولی مسایل مربوط به چک می‌باشند، تصور این که مقررات مربوط را رعایت نکنند، دور از ذهن می‌باشد و بانک‌ها را نباید به این وسعت درگیر مسایل قضایی نمود. بنابراین، حذف این ماده پیشنهاد می‌شود. برقراری ضمانت اجرایی دیگر جای خود را دارد.

**ماده ۲۴۷:** بانک‌ها مکلفند ضمن انتشار فهرست شماره‌های حساب‌های جاری مسدودشده، امکان دسترسی اشخاص به فهرست را فراهم کنند. این ماده اولاً، نیاز به اصلاح عبارتی دارد، چون کلمه "شماره‌های" زاید است و به جای "مسدودشده" هم باید نوشت "بسته‌شده؛ ثانیاً، با توجه به عرف و رسم معمول در بانک‌ها، این که اشخاص از بسته‌شدن حساب دیگران اطلاع پیدا کنند، صحیح نیست. ضمناً مراجعات فراوانی را به بانک‌ها سبب خواهد شد تا این فهرست را ملاحظه نمایند. بنابراین، حذف این ماده پیشنهاد می‌شود.

### نقدکردن چک‌های مسافرتی در دیگر بانک‌ها، کنترل بانک مرکزی را با مشکل مواجه می‌سازد.

**ماده ۲۴۸:** بانک‌ها مکلفند هنگام صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۲۰۷ این قانون، نسخه‌ای از آن را برای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال کنند.

در این ماده به جای "برای" بهتر است "به" نوشته شود.

**ماده ۲۴۹:** بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بی‌محل کرده‌اند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست شده است، به صورت روزآمد، مرتب و منظم ضبط و نگهداری کند و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانک‌های کشور قرار دهد.

ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص مذکور از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذینفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ استعلام از بانک‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تایید شورای پول و اعتبار به تصویب هیات وزیران می‌رسد، تعیین می‌شود. نکات قابل تذکر در این زمینه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- لازمه ضبط و نگهداری سوابق اشخاصی که مبادرت به صدور چک بی‌محل می‌نمایند، فقط صدور گواهی عدم پرداخت اعلام شده است. در ماده ۲۴۵ لایحه، بستن حساب جاری منوط به محکومیت قطعی صادرکننده چک می‌باشد. با این

که منتهی به برگشت چک خواهد شد، صادرکننده مستوجب کیفر صدور چک بدون محل بوده و در صورت ادعای خسارت از طرف دارنده چک، و اثبات آن در دادگاه، مسوول جبران خواهد بود.

### تکالیف بانک در مورد چک‌های بدون محل

**ماده ۲۴۵:** بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده‌اند و تعقیب آنها منتهی به محکومیت قطعی شده است، مسدود سازند و تا سه سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند. نکاتی در این رابطه به نظر رسیده است:

۱- در مقدمه ماده، جای کلمه "کلیه" می‌بایست عوض شود، به این صورت: "حساب‌های جاری کلیه اشخاصی را..."

۲- این ابهام وجود دارد که آیا صدور چک بی‌محل در اولین بار قابل تعقیب قضایی نیست؟

۳- عبارت "مسدود سازند" به کلمه "بسته" اصلاح شود، زیرا نقطه مقابل بازکردن حساب، بستن حساب است نه مسدودکردن آن. مسدودکردن معنای دیگری دارد.

۴- مبدأ سه سال، می‌بایست تاریخ صدور حکم قطعی تعیین و بدان تصریح شود.

ماده ۲۱ قانون صدور چک هم مراتب بالا را با تفاوت‌هایی نسبت به ماده ۲۴۵ لایحه پیش‌بینی کرده است:

۱- صدور کیفرخواست را موجب بستن حساب دانسته است و نه محکومیت قطعی را. توضیح اینکه، صدور کیفرخواست از اختیارات و وظایف دادستان است و در نتیجه، بانک نمی‌بایست منتظر صدور حکم قطعی شود.

۲- در صورت رعایت‌نشدن امر از طرف بانک، مسوولان شعبه را مستوجب یکی از مجازات‌های مقرر در ماده ۹ شدت و ضعف دارد و چون این مجازات‌ها مربوط به تخلفات پیش‌بینی‌شده در ماده ۸ قانون مذکور می‌باشند، اصلاح این بود که نوع تخلف هم مشخص می‌شد. ضمناً عبارت "مسوولان شعب" که در ماده ۲۱ و به صورت جمع آمده است، درست نیست، زیرا در هر شعبه بانک، فرد یا افراد مشخصی از کارکنان شعبه وظیفه بازکردن حساب جاری را انجام می‌دهند. بنابراین، در صورت اضافه‌نمودن موضوع به لایحه، شخص یا اشخاص مسوول می‌بایست معلوم و مشخص شوند. به علاوه، باید توجه داشت که مجازات‌های مقرر در ماده ۹ در مورد کارکنان بانک‌های دولتی قابل اجراست و کارکنان بانک‌های خصوصی از شمول قانون مذکور خارج می‌باشند، در حالی که در حال حاضر، مجازات عام‌الشمول ضرورت دارد.

**ماده ۲۴۶:** بانک، ضامن زیان‌های ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به چک در برابر دارنده چک است.

به نظر می‌رسد که بودن این ماده در لایحه، به هیچوجه به صلاح سیستم بانکی کشور نیست. بانک اگر قوانین و مقررات مربوط به چک را رعایت نکند، راه‌های قانونی مختلفی برای رسیدگی وجود دارد. در مورد کارکنان بانک‌های دولتی، قانون رسیدگی به تخلفات کارکنان قابل‌اعمال است. بند "ج" ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور که در زمان تصویب آن بانک‌های خصوصی (غیردولتی) هم وجود

۵- تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون صدور چک فعلی، مربوط به قسمت دوم ماده ۲۴۹ لایحه می‌باشد، با تفاوت این که نحوه دسترسی اشخاص ذینفع به اطلاعات را ندارد. همانطور که در جای دیگر هم اشاره شد، عرف و رسم بانکی ایجاب نمی‌کند که اشخاص از وضعیت حساب جاری دیگران اطلاع پیدا کنند.

ماده ۲۵۰: چنانچه بانک‌ها به تکلیف مقرر در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ این قانون و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تکلیف ماده ۲۴۹ این قانون عمل نکنند، علاوه بر اعمال ضمانت اجراهای مقرر در قانون پولی و بانکی، حسب مورد مسوول جبران خسارت وارده نیز خواهند بود.

توضیحاً اعلام می‌نماید که درباره مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ لایحه، ضمانت اجرایی در قانون پولی و بانکی کشور وجود ندارد. در مورد ماده ۲۴۹ هم ضمانت اجرایی درباره بانک مرکزی موجود نیست. بنابراین، هرگاه قرار بر این باشد که عدم اجرای مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ از طرف بانک‌ها و عدم اجرای ماده ۲۴۹ از سوی بانک مرکزی عواقب و مسوولیت‌هایی داشته باشد، همین لایحه تجارت باید آن را مشخص و تعیین نماید. علاوه بر این، منظور از خسارت چیست و زیان‌دیده کیست که بانک‌ها مسوول جبران "خسارت" وارده، آن هم به صورت جمع قلمداد شده‌اند؟

ترتیب، باید توجه داشت که هر شخص ولو دفعه اول مبادرت به صدور چک بی‌محل نمود و گواهی عدم پرداخت صادر شد، سابقه‌اش می‌بایست در بانک مرکزی ضبط شود و شرط دیگری مشابه ماده ۲۴۵ ندارد.

۲- حذف کلمه "واخواست" پیشنهاد می‌شود.

۳- تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون فعلی صدور چک، مفاد ماده ۲۴۹ لایحه را دربردارد.

۴- به‌طور کلی، مسایل مربوط به چک از ماده ۱۷۲ تا ماده ۲۵۰ لایحه نیاز به آیین‌نامه دارد. بنابراین، نباید فقط به ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذینفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ به استعلام بانک‌ها اکتفا نمود.

علاوه بر آیین‌نامه، به نظر می‌رسد که اجرای این قانون در بخش چک، نیاز به دستورالعمل‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هم خواهد داشت و بهتر است که بانک مذکور در ماده ۲۴۹ مکلف به این امر شود. گرچه بند ۸ ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور، تعیین مقررات افتتاح حساب جاری را از جمله وظایف بانک مرکزی دانسته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی